

محتوای آزمون مستمر ۲ دوره آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین

سند تحول از بخش های مختلف تشکیل شده که تاکنون دو بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی به طور اجمال معرفی شد که در این فصول چه مطالبی وجود دارد که می تواند مورد استفاده قرار گیرد و اشاره ای به چرخش های های تحول آفرین شد.

مبانی نظری سند تحول:

- فلسفه تربیت در نظام جمهوری اسلامی

- فلسفه تربیت رسمی و عمومی

- رهنامه

بخش سوم از مبانی نظری سند تحول، فصلی تحت عنوان رهنامه سند است. در بخش رهنامه، با برگرفتن از فلسفه تربیت رسمی و عمومی و فلسفه تربیت، تلاش شده که چارچوبی برای تدوین سند تحول و پیاده سازی و استقرار نظام تعلیم و تربیت رسمی آورده شود. بنابراین رهنامه را فصلی قلمداد می کنیم که استقرار نظام تعلیم و تربیت رسمی را به طور کلی مشخص می کند.

در رهنامه سند تحول در خصوص رسالت، مأموریت و اهداف آموزش و پرورش گفتگو شده است و مطالبی در این زمینه در این فصل آورده شده است، ارکان تعلیم و تربیت را معرفی کرده و به عوامل سهیم و مؤثر در تعلیم و تربیت به تفصیل پرداخته است؛ عوامل سهیم، عواملی هستند که مستقیماً در تربیت مسئولیت دارند مانند خانواده، حکومت، مدرسه، رسانه، عوامل مؤثر عواملی هستند که مستقیماً مسئولیت آنها در امر تعلیم و تربیت نیست ولی در تعلیم و تربیت تأثیر گذارند مانند نهادهای اقتصادی، اجتماعی، قضایی و سازمان های غیر دولتی، مؤسسات، انجمن ها و نهادهایی که در جامعه وجود دارند؛ اینها تأثیر تعیین کننده ای در امر تعلیم و تربیت دارند.

یکی از مهمترین مباحثی که در رهنامه به آن اشاره شده، بحث زیر نظام های سند تحول است. تحول در آموزش و پرورش از مسیر این ۶ زیر نظام باید اتفاق بیفتد؛

تحول در آموزش و پرورش در چه حوزه هایی باید اتفاق بیفتد؟ این تحول از مسیر این ۶ زیر نظام باید صورت بگیرد. اجرای سند تحول و ۱۳۱ راهکار آن نیز از طریق ۶ زیر نظام باید اتفاق بیفتد.

این ۶ بخش نظام تربیت رسمی و عمومی را تشکیل می دهند. اگر برای آموزش و پرورش بخواهید برنامه ریزی کنید، دستگاه تعلیم و تربیت را متحول کنید، در این ۶ حوزه و ۶ بخش بایستی اقدامات تحولی انجام دهید. از این عناوین، می توان حدس زد که در هر کدام از زیر نظام ها به چه مباحثی پرداخته می شود.

شش زیر نظام:

۱. زیر نظام برنامه درسی؛ خود دارای یک سند مصوب است. برنامه درسی، مجموعه سیاست گذاری و برنامه ریزی برای تولید محتوای آموزشی است. یکی از مهمترین منابع آموزشی، کتاب های درسی است و اخیراً (در سال های اخیر) در کنار کتاب های درسی، بسته آموزشی دیگری نیز برای دانش آموز و معلم طراحی و تعبیه شده است. اگر بخواهیم آموزش و پرورش را متحول کنیم، بایستی بخشی از این تحول در

نوع تهیه محتوایی باشد که برای دانش آموزان فراهم می کنیم؛ چه محتوایی که از نظر مستقیم سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش از طریق کتاب های درسی باید اتفاق بیفتد، چه برنامه های محتوایی که خود مدارس و معلمان در مدرسه و کلاس درس تهیه می کنند.

محتوای برنامه درسی باید جنبه کاربردی داشته باشد. یعنی آنچه که دانش آموزان از طریق محتوای آموزشی در کلاس های درس به دست می آورند، باید در زندگی بتواند استفاده کنند. آموزش هایی که کار بست در زندگی اجتماعی در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نداشته باشد، آموزش های مفیدی نیست. در سند تحول به علم نافع و مفید تأکید می کند؛ آموزش های مفید. آموزش هایی که بتواند گره زندگی دانش آموزان را در مراحل مختلف باز کند. دانش آموزان با این آموزش هایی که به دست می آورند، بتوانند در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی استفاده کنند. دانش هایی که به آنها بیاموزیم که آنها را در زندگی توانمند کند. فرض کنید یکی از نکاتی که در برنامه درسی در سند تحول تأکید شده است، ذهن دانش آموزان را از محفوظاتی انباشته نکنیم که فقط آنها را حفظ کنند و در موقع امتحان و ارزشیابی تحویل دهند و خیال مان راحت شود که آنها آنچه که لازم بوده، به دست آوردند. این بخشی از کار است؛ آموزش هایی که بعد از ارزشیابی و امتحان از ذهن دانش آموزان دور شود و کنار گذاشته شوند، آموزش های مفیدی نیست. بنابراین تحول در محتوا یعنی تغییرات اساسی در آموزش هایی که به دانش آموزان داده می شود؛ محتوا و خوراک فکری به آنها می دهیم. این محتوا کاربردی باشد و هم به جهت حافظه محوری بتواند در وجود آنها مستقر شود. در عین حال که حافظه تا حدود زیادی در جای خود محترم است و بایستی به آن تأکید شود.

تحول در محتوای برنامه درسی: ۱. پرهیز از حافظه محوری ۲. تأکید بر تفکر محوری ۳. تأکید بر پژوهش محوری ۴. تأکید بر کار محوری.

بنابراین یک بخش مهم از محتوا بایستی به نحوی هم از طریق کتاب های درسی و هم آن چیزی که در مدرسه تدارک می بینید باید به نحوی تغییر پیدا کند، جذابیت داشته باشد، کاربردی باشد و آنها را به کار و کوشش و تلاش وادار کند و پاسخگوی نیازهای زندگی شان باشد. بخش مهمی از تحول در آموزش و پرورش بایستی تحول در محتوا باشد که اصطلاحاً به آن برنامه درسی گفته می شود و شامل آن چیزی است که از طریق وزارت آموزش و پرورش متمرکز ابلاغ می شود و شامل آن چیزی است که در مدرسه، تصمیم مدرسه ای است و شامل آن چیزی است که معلم در کلاس درس برای دانش آموزان تصمیم می گیرد. این ها نیز جزو برنامه درسی محسوب می شود.

باید مواظبت کنیم آنچه را به عنوان محتوا ارائه می کنیم، دارای این خصوصیات و ویژگی ها باشد. پس یک مسیر تحول، مسیر در محتوای آموزشی است که بایستی اتفاق بیفتد. تلاش شده در طول این چند سال گذشته به خصوص کتاب های دوره دبستان با چنین رویکردی اصلاح شود. هر چند که کار بسیار سخت و دشواری است و مسیر طولانی در پیش داریم اما بایستی مسیر را به تدریج و به آرامی باید سپری کنیم.

۲. زیر نظام راهبری و مدیریت؛ بسیار حائز اهمیت است و شامل کلیه زیر نظام ها و بخش های مختلف است. (نظام مدیریت و راهبری تربیتی متناسب با اجرای سند تحول) البته خود نیز قلمرو مشخصی دارد که چه نوع مدیریت و راهبری تربیتی متناسب با سند تحول در دستگاه تعلیم و تربیت، در ستاد، در استان ها،

در منطقه و مدرسه بایستی مستقر شود تا یک مدیریت با رویکرد تربیتی و فرهنگی در مدرسه در جاهای مختلف آموزش و پرورش مستقر شود و با چنین رویکردی بتواند مجموعه برنامه هایی را برای سیستم آموزشی طراحی کند. بایستی از طریق استقرار یک نظام راهبری و مدیریت کارآمد، به کاهش تمرکز در این سیستم بپردازیم. برنامه هایی که تنظیم می کنیم، تمرکز گرا نباشد که امکان مشارکت را بتواند فراهم کند. این به عنوان یکی از شاخصه های این انتخاب و انتصاب مدیران ماست و باید چنین ویژگی هایی داشته باشد که انتخاب و انتصاب مدیران بر اساس شایستگی های لازم صورت بگیرد. از دیگر تأکیدات این زیر نظام، بحث اندازه آموزش و پرورش است. امروز اندازه آموزش و پرورش مخصوصا در بخش اداری بسیار وسیع و سنگین است که به راحتی نمی تواند خود را با تحولات هماهنگ کند و تصمیمات مدیریتی مناسب را بگیرد. بنابراین باید کوشش شود اصلاحات لازم در این مجموعه سرعت بگیرد و یک زیر نظام راهبری و مدیریت اثربخشی مستقر شود تا بتواند این نظام وسیع و گسترده را راهبری کند و نتایج مطلوبی در آن حاصل شود. به هر حال مدیریت یک امر بسیار مهمی است. بخش مهمی از موفقیت سازمان، تابع استقرار مدیریت کارآمد و اثربخش است که در این سند به این موضوع تأکید شده که باید این تحولات در حوزه مدیریت نیز حاصل شود و مدیریت آموزش و پرورش باید پاسخگو و خود ارزیاب باشد و مدام به اصلاح سیستم بیندیشد و خود را پاسخگوی مردم، جامعه، دانش آموزان و معلمان بداند.

۳. **زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی؛** معلم مؤثرترین عنصر در تعلیم و تربیت است. بایستی تلاش کنیم معلمان توانا، با انگیزه و علاقه مند برای دستگاه تعلیم و تربیت اولا شناسایی کرده و بعد جذب کنیم، بعد آن ها را آموزش دهیم و برای نگهداشت آنها در دستگاه تعلیم و تربیت برنامه های مناسب داشته باشیم. باید فرآیند شناسایی، جذب و نگهداشت معلم دستخوش تغییرات اساسی شود تا بتواند نیروی انسانی با کیفیت را برای آموزش و پرورش تأمین کند. بنابراین نقطه آغاز تحول در آموزش و پرورش، تحول در اندیشه های معلمان است؛ تحول در دانش، آگاهی، فهم و مهارت های معلمان است. بایستی این فرآیند شناسایی، جذب، آموزش و نگهداشت معلم دستخوش تغییرات اساسی شود تا بتواند نیروی انسانی با کیفیت را برای آموزش و پرورش تأمین کند.

۴. **زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی؛** از دیگر زیر نظام های مطرح در رهنامه، زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی است. این زیر نظام، در ارتباط با تأمین منابع مالی آموزش و پرورش مسئولیت دارد، در مورد چگونگی مصرف و هزینه آن تصمیم گیری کند و مسئولیت این زیر نظام در ارتباط با مسائل مالی آموزش و پرورش است. تعلیم و تربیت هزینه بر است و بر اساس قانون اساسی، تعلیم و تربیت تا پایان دوره متوسطه رایگان است و بنابراین دولت باید بخش مهمی از منابع مالی مورد نیاز دستگاه تعلیم و تربیت را تأمین کند هر چند که با قانونگذاری در مجلس، امکان مشارکت مردم با تأسیس مراکز غیر دولتی فراهم شده که بخشی از هزینه های تحصیل دانش آموزان از طریق مشارکت مردم در قالب مدارس غیر دولتی تأمین می شود. بخش مهمی ارائه خدمات تعلیم و تربیت مطلوب وابسته به منابع مالی است.

آنچه که تا به حال اتفاق افتاده این است که منابع مالی با تکیه اصلی بر دولت بوده به غیر از مدارس غیر دولتی ولی نگاه این است که دنبال منابع مالی پایدار باشیم. مفهوم این جمله این است که بایستی هم دولت بیشترین سرمایه گذاری را در آموزش و پرورش انجام دهد و هم ما امکانی فراهم کنیم که سایر نهادها و

سازمان ها را درگیر آموزش و پرورش کنیم. باید آموزش و پرورش مسئله ملی باشد و همگان در حل مشکلات آن مشارکت کنند و بتوانیم به یک آموزش و پرورش مطلوب و با کیفیت برسیم. بخشی از تحول، ناظر به حوزه منابع مالی و امکانات برگرفته از منابع مالی است.

۵. **زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری؛** مدرسه موقعیتی است که تعلیم و تربیت رسمی در آنجا اتفاق می افتد. اولاً به هر فضایی نمی توان مدرسه گفت. مدرسه باید دارای ویژگی ها و خصوصیات خودش باشد. گاهی اوقات برخی مدارس در محیط ها و مکان هایی مستقر است که حداقل های لازم را ندارد. ممکن است در بخشی از مدارس غیر دولتی چنین اتفاقی رخ داده باشد. بایستی فضایی که دانش آموزان در آن تحصیل می کنند، معماری، رنگ آمیزی، تجهیزات فضا، امکانات محیط و همه شرایط لازم برای اجرای برنامه درسی بایستی وجود داشته باشد. باید کوشش کنیم محیط های آموزشی و تربیتی از هر حیث، محیط های قابل قبولی باشد و اگر دانش آموزان وارد محیط ها می شوند، لذت لازم را ببرند. در زیر نظام فضا و تجهیزات، به ساخت و ساز، معماری و تجهیزات مدارس توجه شده است. برای نمونه، اگر دانش آموزانی که در کلاس هستند، همه دارای صندلی های یک اندازه باشند، در چنین شرایطی که نوعاً متأسفانه این گونه است، دانش آموزی که قد بلند است، با صندلی که متناسب او نیست، نمی تواند راحت در کلاس درس، تمرکز پیدا کند. دانش آموز کوتاه قد که صندلی برای او بلند است، می تواند تمرکز او را در یادگیری کاهش دهد و او را در کلاس درس اذیت و آزار کند. مثلاً یکی از نیازهای دانش آموزان چپ دست، متناسب بودن میز کار آنهاست. اگر در مدارس این مسئله مورد توجه قرار نگیرد، دانش آموزان چپ دست به راحتی نمی توانند از این فضا استفاده کنند و احساس مشکل می کنند و سایر چیزهای فنی که بایستی در فضا رعایت شود. تحول در فضای مدارس؛ وقتی از دور دیده می شود معلوم شود که مدرسه با همه خصوصیات و ویژگی های خاص خودش است و از امکاناتی بایستی برخوردار باشد که برای دانش آموزان جذابیت داشته باشد؛ امکانات هنری، ورزشی، امکانات فعالیت های جمعی، گروهی و امکانات کارهای علمی، آزمایشگاهی، کارهای مختلف که یکی از جهت گیری های سند است که باید چنین زیر نظامی را مستقر کند که چنین شرایطی را بتواند فراهم کند.

۶. **زیر نظام پژوهش و ارزشیابی؛** تصمیم گیری برای تعلیم و تربیت، مستلزم مطالعه، تحقیق، پژوهش و بررسی است. سیاستگذاری مستلزم تحقیق، پژوهش و بررسی است. برنامه ریزی مستلزم تحقیق و پژوهش است. مجاز نیستیم در دستگاه تعلیم تربیت بر اساس تشخیص های فردی خود عمل کنیم. تصمیم گیری برای این دستگاه بایستی بر مبنای مطالعه باشد و مسیر اصلاح و تحول در آموزش و پرورش باید بر اساس پژوهش و ارزشیابی باشد. باید از عملکردهای خود، داخلی و بیرونی سیستم ارزشیابی داشته باشیم و مدام به نقد و اصلاح این سیستم آموزشی بپردازیم. این گونه نباشد که کاری را سالیان سال انجام داده ولی از اثربخشی آن کار اطلاع کافی نداریم. زیر نظام پژوهش و ارزشیابی ناظر به این نوع نگاه در آموزش و پرورش است.

در مجموع به یکی از مباحث مهم در بخش رهنما که زیر نظام هاست، اشاره شد. ۱۳۱ راهکار سند تحول در حقیقت به این زیر نظام ها برمی گردد تا از طریق اجرای آن راهکارها، زیر نظام های سیستم آموزش و پرورش اصلاح شود و بتوانیم به یک آموزش و پرورش مطلوب دسترسی پیدا کنیم. دسترسی به یک تعلیم و

تربیت مناسب با اسناد بالا دستی یا استقرار مطلوب سند تحول مستلزم تغییرات هماهنگ این ۶ زیر نظام است: ۱. مدیریت و راهبری ۲. تأمین منابع انسانی ۳. تأمین منابع مالی ۴. برنامه درسی ۵. فضا و تجهیزات ۶. پژوهش و ارزشیابی. در صورتی چنین اتفاقی رخ دهد، قادر خواهیم بود به یک آموزش و پرورش مطلوب، دسترسی پیدا کنیم وگرنه اگر به بخشی از این زیر نظام ها توجه کنیم و از بقیه زیر نظام ها غافل شویم، تغییرات هماهنگ منظم و یکپارچه که مد نظر است، در آموزش و پرورش اتفاق نخواهد افتاد. بخشی از رهنامه ذکر شد که مسیر تغییرات اساسی را در آموزش و پرورش از طریق این زیر نظام ها معرفی کرده است.

راجع به یکی از بحث های بسیار مهم سند تحول صحبت خواهد شد؛ چرخش های تحول آفرین مبانی نظری سند تحول؛ فلسفه تربیت، تربیت رسمی، رهنامه، در انتهای مبانی نظری سند تحول، موضوعی تحت عنوان چرخش های تحول آفرین است. چرخش های تحول آفرین به زبان ساده یعنی تغییرات منظم و هماهنگی که در دستگاه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی صورت بگیرد تا آموزش و پرورش از وضع موجود به وضع مطلوب سوق پیدا کنند. در چرخش تلاش خواهیم کرد از وضع موجود به وضع مطلوب بپردازیم. چرخش های تحول آفرین را می توان قطب نمای حرکت تحول در آموزش و پرورش نامید. به عبارت دیگر این چرخش ها به ما می گوید وضع مطلوب چیست و وضع موجود چیست که از وضع موجود به وضع مطلوب باید حرکت کنیم و به آن سمت برویم. اگر این چرخش ها را بتوانیم در طول ده سال آینده در آموزش و پرورش محقق کنیم، تا افق ۱۴۰۴ می توان گفت که تغییرات در آموزش و پرورش بر اساس مبانی نظری سند تحول انجام شده است.

چرخش هایی که مورد بحث قرار خواهند گرفت، دو دسته اند:

- چرخش های کلان دستگاه تعلیم و تربیت رسمی

- چرخش های مربوط به ۶ زیر نظام سند تحول

در رهنامه سند تحول یکی از مباحث بسیار مهم که مطرح شده، نظام تربیت رسمی و عمومی که همان آموزش و پرورش باشد، از ۶ بخش تشکیل شده است که این ۶ بخش را اصطلاحاً زیر نظام های نظام تربیت رسمی و عمومی می گویند.

زیر نظام های نظام تربیت رسمی و عمومی

۱. زیر نظام راهبری و مدیریت

۲. زیر نظام برنامه درسی

۳. زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

۴. زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی

۵. زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری

۶. زیر نظام پژوهش و ارزشیابی

اگر قرار است در دستگاه تعلیم و تربیت رسمی، تحولی رخ دهد، تحول از مسیر ۶ زیر نظام بایستی صورت گیرد یعنی با مداخله در این ۶ زیر نظام، دستگاه تعلیم و تربیت را باید به سمت وضع مطلوب حرکت دهیم.

چرخش های کلان دستگاه تعلیم و تربیت رسمی

چرخش های تحول آفرین کلان یا به اصطلاح کلی ناظر به کل دستگاه تعلیم و تربیت است. ده چرخش کلان تحولی وجود دارد.

چرخش های کلی نظام فعلی برای تحول بنیادین	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
نهادی آموزشی	نهادی فرهنگی اجتماعی و مولد سرمایه انسانی
کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت و ...	خویشتن بانی (تقوا)، ارزش مداری عقلانی و مسئولیت پذیری
انحصار انگاری در تربیت	مشارکت و مسئولیت پذیری ارکان و عوامل سهیم و مؤثر
یکسان سازی و تولید انبوه	پذیرش تنوع تکثر در چارچوب نظام معیار اسلامی
نگاه تجزیه ای و تفکیکی به انسان	نگاه یکپارچه نگر و تلفیقی به هویت انسان در تمام ابعاد و ساحت های تربیت
دانش آموز منفعل در کلاس درس	مربی فعال در محیط های تربیتی
روش های خشک فردی و انعطاف ناپذیر	فعال و گروهی
رقابت های فردی و تنش زا	رقابت های جمعی و تعالی بخش
انتقال اطلاعات و حافظه محوری	کسب شایستگی ها در تمام ساحت های تربیت
سازگاری با شرایط محیطی	هویت یابی و مقاومت در برابر شرایط نامساعد و تغییر آنها

چرخش اول

وضعیت فعلی در واقع نواقص و کاستی های تعلیم و تربیت رسمی است یعنی این کاستی ها و نواقص که امروز دستگاه تعلیم و تربیت از آنها رنج می برد، باید برطرف شود. برطرف شدن نواقص یعنی رفتن به وضعیت مطلوب و بایستی آنها اصلاح شوند؛ یا کاستی ها یا ضعف هاست.

- در وضعیت فعلی، آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد آموزشی عمل می کند. نهاد یا نظام آموزشی به این معناست که امروز آموزش و پرورش بر جنبه های آموزشی تعلیم و تربیت متمرکز شده. در پایان خرداد ماه وقتی عملکرد یک ساله دانش آموزان را ارزشیابی می کنید و در قالب کارنامه ای به اولیا تحویل می دهید، یک ورقه با تعدادی از دروس به علاوه نمره در دوره متوسطه اول و دوم. در دوره ابتدایی ارزشیابی از نوع توصیفی است که از نمره استفاده نمی شود؛ گزاره هایی مانند بسیار خوب، خوب، در حد انتظار، نیاز به تلاش. وقتی این گزاره ها را در گزارش ها و کارنامه های دانش آموزان ذکر می کنید، یکی از چالش هایی که خود در مدرسه با آن مواجهید، این است که اولیا دنبال آن هستند که نمره دانش آموز چند است. ارزشیابی توصیفی برای اولیا خیلی مفهوم نیست و به دنبال دریافت ما به ازای نمره او هستند. امروز آموزش و پرورش در کارنامه ای که در پایان خردادماه به دانش آموزان می دهد، هم در قالب ارزشیابی توصیفی هم در قالب کارنامه نمرات دروس، در واقع گزارشی از عملکرد آموزشی خود به اولیا ارائه می دهد. بخش مهمی از ارزشیابی مدیران و معلمان مدارس، از طریق نتایج نمره دانش آموزان، قبولی آنها در کنکور، رتبه در

مدارس نمونه دولتی و استعدادهای درخشان است که در سردر مدارس این تبلیغات صورت می گیرد. نهاد آموزشی یعنی آموزش و پرورش بر کارکرد آموزشی خود متمرکز شده. این سؤال در ذهن شما شکل بگیرد که آموزش و پرورش کارکرد آموزشی ندارد؟ یکی از مأموریت های آموزش و پرورش، کارکرد آموزشی است. بر اساس ساحت های شش گانه تربیت، آموزش و پرورش باید در همه زمینه ها پاسخگو باشد. به عنوان نمونه، آیا بعد از پایان سال تحصیلی، نسبت به وضعیت اخلاقی، اجتماعی، هنری و روابط اجتماعی دانش آموزان، گزارشی تهیه می کنیم؟ اگر از مدیر مدرسه سؤال شود که در سال تحصیلی گذشته مثلاً عرق ملی دانش آموزان مدرسه شما کم شده یا زیاد شده، آیا قادر است پاسخ دهد. اگر از اولیای مدرسه سؤال شود که ارزشیابی از قانونمندی دانش آموزی و نظم پذیری و مسئولیت پذیری آنها، روابط اجتماعی آنها انجام می شود؛ آیا در مقابل این نوع سؤالات پاسخگو هستیم. از آن طرف، کمتر ولی دانش آموز است که از مدیر و معلم بخواهد که راجع به ارزشیابی درباره مسائلی همچون مسئولیت پذیری، بهداشت، نظم و قانون، فرهنگ کار سؤال شود. وقتی در ارزشیابی و ارزشیابی های سالانه عمدتاً بر دروس متمرکز هستیم و از سایر جنبه های تربیتی تقریباً غافلیم، به نوعی تمرکز بیش از حد بر یک بخش از مأموریت های آموزش و پرورش کردیم و آموزش و پرورش به عنوان یک نظام آموزشی شده است. آیا آموزش و پرورش در مقابل مسائل اجتماعی پاسخگو است یا خیر.

تمرکز آموزش و پرورش بر حوزه های آموزشی بیش از سایر مأموریت های آموزش و پرورش است. بنابراین برای نمونه آیا آموزش و پرورش در مقابل مسائل اجتماعی مسئولیت دارد یا خیر. اگر در جامعه بی نظمی مشاهده شود و تبعیت و التزام به قانون یا مسئولیت پذیری یا احساس وظیفه در جامعه، در اندازه مورد نظر نیست، آیا آموزش و پرورش نسبت به این موارد پاسخگوست، آیا آموزش و پرورش نسبت به روابط حسنه ای که باید بین افراد برقرار شود، باید پاسخگو باشد یا خیر. آیا آموزش و پرورش در دور کردن خشونت و رفتارهای نامناسب و پر خطر در ارتباط با متربیان و دانش آموزان مسئولیت دارد یا خیر. آیا آموزش و پرورش در ارتباط با کم کاری شهروندان جامعه مسئولیت دارد یا خیر. آیا آموزش و پرورش در رابطه با تفاهم و برقراری روابط مناسب در جامعه بین افراد مسئولیت دارد یا خیر. اگر بگوییم آموزش و پرورش در قبال این مسائل مسئولیت ندارد، پس کجا باید این نوع ویژگی ها، خصوصیات و قابلیت ها در دانش آموزان صورت گیرد؟ اگر این ۱۲ سال که بهترین دوران زندگی دانش آموزان است، این نوع آموزش ها دریافت نشود، این نوع یادگیری ها صورت نگیرد، کجا چنین فرصتی در اختیار داریم. وقتی می گوییم آموزش و پرورش در آینده از نهاد آموزشی به نهاد فرهنگی اجتماعی و مولد سرمایه انسانی تبدیل شود یعنی آموزش و پرورش به همه مأموریت های خود بپردازد، کارکرد علمی، اجتماعی و سیاسی خود را داشته باشد. کارکرد سیاسی به معنای تربیت سیاسی دانش آموزان است؛ یعنی دانش آموزان نسبت به سرنوشت جامعه خود احساس مسئولیت کنند. تقویت روحیه مشارکت پذیری و مشارکت جویی در دانش آموزان جزو وظایف آموزش و پرورش است. گاهی اوقات ملاحظه می شود صحنه هایی از محیط زیست از بین می رود. جلوه های نازیبای بهداشت را ملاحظه می کنید. افراد زباله های امکاناتی که مصرف می کنند، در کوچه، خیابان و سطح طبیعت رها می کنند. افراد اینها را باید کجا یاد بگیرند. جای دیگری غیر از مدرسه وجود دارد. کمک به یکدیگر کجا؛ وقتی می گوییم آموزش و پرورش بر وظایف آموزشی خود تمرکز پیدا کرده به این معناست

که سایر جنبه ها را غفلت کرده است. تبدیل یکی از چرخش های مهم و اساسی که در دستگاه تعلیم و تربیت باید اتفاق بیفتد، نظام آموزشی به نهاد فرهنگی اجتماعی تبدیل شود یعنی کارکردهای فرهنگی داشته باشد، فرهنگ جامعه را باید آموزش و پرورش بسازد؛ فرهنگ جامعه در جنبه های مختلف؛ فرهنگ کار، فرهنگ اقتصاد، فرهنگ تلاش، فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز، فرهنگ مسئولیت پذیری و فرهنگ قانون پذیری. جنبه های مختلف فرهنگی که در جامعه نیاز داریم باید از طریق مدرسه اتفاق بیفتد. یکی از مهمترین چرخش های سند تحول این است که آموزش و پرورش از وضع موجود به وضع مطلوب برسد؛ کارکرد اجتماعی داشته باشد، نسبت به مسائل اجتماعی حساس باشد. بخشی از معطلات اجتماعی ما در بحث اعتیاد و مواد مخدر، بزهکاری ها، طلاق، سوء استفاده از امکانات جامعه، کم کاری، ناسازگاری، مشکلات اجتماعی و مسائل اجتماعی است که راه پیشگیری آن از طریق آموزش و پرورش و دستگاه تعلیم و تربیت است. آموزش و پرورش باید این مأموریت ها را عهده دار شود و مولد سرمایه انسانی باشد.

تربیت نیروی انسانی جامعه به عهده آموزش و پرورش است. دستگاه تعلیم و تربیت رسمی نیروی انسانی جامعه را تربیت می کند؛ نیروی انسانی که وارد اقتصاد، فرهنگ، مسائل اجتماعی، بخش های تولیدی و جامعه می شود. همه سازمان ها مصرف کننده نیروی انسانی آموزش و پرورش هستند. باید نیروی تربیت شود که وقتی وارد سازمان ها، نهادها و دستگاه ها و بخش خصوصی جامعه و بازار وارد شود، بتواند کارآفرین باشد، تحرک ایجاد کند و جامعه را متحول کند. پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی ایجاد شود. همه این پیشرفت ها در گرو دستگاه تعلیم و تربیت است. وقتی می گوید آموزش و پرورش نهاد آموزشی است یعنی نقص وجود دارد؛ نه که کارکرد آموزشی نداشته باشد باید داشته باشد ولی به این نباید اکتفا کند و به سایر مأموریت های خود بپردازد. کلاس های درس، مسیر پیشرفت جامعه را نشان می دهد. بسیاری از این مباحث در کلاس درس باید صورت گیرد. به خصوص معلمان دوره ابتدایی که دانش آموزان وارد مدرسه می شوند، تازه تجربه اجتماعی کسب می کنند، در کلاس درس باید اینها را یاد بگیرند. وقتی می گوئیم کلاس درس، صرفاً منظور چهار دیواری کلاس درس نیست. همه مدرسه کلاس درس است، زمین بازی، آزمایشگاه، کتابخانه، راهروها، سالن ورزشی، زنگ تفریح، اردو، بازدید و مسابقات. وقتی می گوئیم کلاس درس یعنی همه اینها. دانش آموزان در همه این موقعیت های تربیتی باید تربیت شوند؛ معلمان می توانند کلاس را به همه این حوزه ها تبدیل کنید، احتیاج به تدبیر و برنامه ریزی دارد. چگونه از رهگذر فعالیت های کلاسی، این همه آموزش ها را برای دانش آموزان بتوانید دنبال کنید. لازم نیست کار دیگری صورت گیرد. لازم است این نگاه در معلم وجود داشته باشد، معلم احساس کند مسئولیت اعتقادی، اخلاقی و مسائل اجتماعی، هنری، ورزشی دانش آموزان به عهده اوست. یکی از مشکلات جامعه ما، فقر حرکتی مردم ماست؛ زندگی شهرنشینی باعث تحرک کمتر شده؛ چاقی یکی از بیماری هایی است که در جامعه رو به رشد است و دامن دانش آموزان را هم گرفته است. اگر فرهنگ ورزش کردن و دقیق تر تربیت بدنی در مدرسه ها جا بیندازیم، و به طور دقیق تر نهادینه شود، افراد بدون اینکه نیاز باشد، به تحرک، تلاش، کوشش می پردازند. ورزش همگانی در جامعه ما ضعیف است به خصوص در ارتباط با دختران و زنان ما که محدودیت های اجتماعی دارند و نمی توانند در کوچه و بازار به تحرک بپردازند. محیط های مدرسه بهترین جاست و با این توضیح روا نیست زنگ ورزش را به نفع ریاضی مصادره کنیم. روا نیست درس هنر را به نفع

علوم تعطیل کنیم به خصوص در دوره ابتدایی به خصوص سه سال اول رویکرد پرورشی است نه آموزشی. پرورشی به معنای نه امور تربیتی، به معنای اینکه زمینه های فعالیت های جمعی، بازی، تفریح، گردش، سرود، تئاتر و انواع هنرها که مدرسه برای دانش آموزان جذابیت لازم را داشته باشد. چگونه می توان همه این جنبه ها را در کلاس های درس خود داشته باشیم. کار گروهی را باید در کلاس های درس با دانش آموزان تجربه کنیم. گاهی دیده می شود در ورزش های فردی موفقیت بیشتری به دست می آوریم و در ورزش های جمعی کمتر. فرهنگ ما، فرهنگ کار جمعی و گروهی است ولی متأسفانه در مدارس، رقابت ها بیش از کار جمعی و گروهی جا باز کرده است. بنابراین یکی از اصلی ترین چرخش ها، چرخش آموزش و پرورش از نهاد آموزشی به نهاد فرهنگی اجتماعی و مولد سرمایه انسانی است. این چرخش سرآمد است. امیدواریم در افق ۱۴۰۴ شاهد این باشیم که آموزش و پرورش یک دستگاه فرهنگی اجتماعی و آموزشی شده باشد.

- بعد از معرفی چرخش اول، دومین چرخش، در وضع موجود کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت است. نوع اداره مدارس و مواجهه ما با دانش آموزان عمدتاً بر کنترل های بیرونی تأکید دارد و به نوعی محدودیت هایی را برای رفتار دانش آموزان در مدرسه فراهم می کنیم به خصوص چند سالی است که مرسوم شده در مدارس برای کنترل دانش آموزان دوربین نصب شود که این وضع موجود است. کنترل های بیرونی و ایجاد محدودیت در رفتار دانش آموزان، یک نقص است. تربیتی که سند تحول تأکید می کند، تربیتی است که افراد از درون بر رفتارها و کردارهای خودشان کنترل داشته باشند و فرد به نحوی تربیت شود که خودش بر رفتار خودش کنترل داشته باشد. این به معنای نفی نظارت والدین و مربیان نیست. نظارت و راهنمایی سر جای خودش؛ آنچه که مهم است این است که فرد به نحوی تربیت شود که خودش بر رفتار خود از درون کنترل داشته باشد. افکار، اندیشه ها و رفتارهایش را در خلوت و آشکار بتواند کنترل کند. این نوع تعلیم و تربیت، مطلوب جامعه ماست. بنابراین آموزش و پرورش از کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت باید به سمت خویشتن بانی یعنی کنترل افراد بر خودشان برود (افراد از خودشان مراقب کنند به جای اینکه دیگران از افراد مراقبت کنند؛ دیگران نظارت داشته باشند و راهنمایی کنند). این افراد باشند که خود را کنترل کنند و مسئولیت پذیر باشند.

تعلیم و تربیت امروزه در نگاه دقیق تر بر کنترل های بیرونی تأکید دارد که در روش های کلاس داری، زنگ تفریح، روش مدرسه داری دیده می شود. اگر از دانش آموزان ارزیابی به عمل آید، از کنترل های مسئولان و دست اندر کاران در مدرسه و خانواده احساس رضایت نمی کنند. باید تلاش کنیم انگیزه های درونی افراد را تقویت کنیم که خودشان بر رفتار خود مراقبت داشته باشند و مسئولیت پذیر باشند. این چرخش دوم است. امیدواریم نسلی را از مدارس تربیت کنیم که وقتی از مدرسه خارج می شوند بتوانند خودشان را کنترل و مراقبت کنند و نیازی به مراقبت ها و سخت گیری های اجتماعی و خانوادگی نداشته باشیم. اسلام تأکید می کند بر اینکه افراد تلاش کنند خودشان مراقبت کنند یعنی اولین کسی که نسبت به خود مسئولیت دارد، خود فرد است. یعنی باید فرد نسبت به خود دغدغه داشته باشد تا خانواده اش و مدرسه نسبت به او دغدغه داشته باشد. البته این در سنین مختلف، متفاوت است ولی روح و جهت گیری کلی این است که به سمتی برویم که مسئولیت پذیری و خویشتن بانی را در دستگاه تعلیم و تربیت، روش کلاس داری، اداره

مدرسه و تعامل با دانش آموزان تجدید نظر کنیم؛ قوانین و مقررات، به خصوص نصب دوربین در مدارس. اگر نصب دوربین به معنای کنترل فیزیکی مدرسه از دستبرد های بیرونی است، قابل بحث است و مانعی ندارد ولی اگر نصب دوربین به معنای کنترل کردن دانش آموزان در راهرو، راه پله ها و حیاط است یعنی آزادی عمل دانش آموزان را گرفتن و این با روح سند تحول ناسازگار است.

- سومین چرخش کلان، این است که آموزش و پرورش از انحصار انگاری در تربیت به سمت مشارکت و مسئولیت پذیری ارگان و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت برود. امروز بار اصلی تعلیم و تربیت رسمی به دوش آموزش و پرورش، مدرسه و دستگاه های اجرایی آموزش و پرورش است. تربیت مسئولیت مشترک همه نهادها و ارگان های جامعه است بنابراین باید تلاش کنیم از انحصار در آوردن تربیت در اختیار آموزش و پرورش فاصله بگیریم و زمینه ورود ارکان تعلیم و تربیت دیگر بر مدرسه فراهم کنیم؛ نهادها و سازمان های غیر دولتی، مردم، خانواده ها و تمام کسانی که در امر تربیت سهیم و مؤثرند. تربیتی می تواند سودمند و نتیجه بخش و متعالی باشد که همه جامعه نسبت به موضوع احساس مسئولیت کنند. امروز مشکلات و مسائل مختلف تربیتی و مدارس به دوش آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش باید تلاش کند با فرهنگ سازی، بازنگری در قوانین و بازنگری در شیوه مدیریت، زمینه مشارکت را فراهم کند. معلمان دبستان باید زمینه مشارکت خانواده ها را در تربیت دانش آموزان در مدارس فراهم کنند. البته این زحماتی به همراه دارد. مدیران مدارس باید امکان مشارکت نهادهای مختلف و خانواده ها را به خصوص در مقوله تربیت، بیشتر کنند تا بتوان به نتایج بهتری دسترسی پیدا کنیم. به تنهایی آموزش و پرورش، مدارس از عهده این مسئولیت عظیم تربیت برنمی آیند. ما چالش های متعددی داریم که نیازمند مشارکت است. آموزش و پرورش باید خودش آغوش باز کند، مشارکت جو باشد به سمت دستگاه های مختلف دست دراز کند، نهادها و امکانات محلی را به کار گیرد تا بتواند این کارها را انجام دهد.

- چهارمین چرخش، یکسان سازی و تولید انبوه در وضع موجود نامگذاری شده که باید به پذیرش تنوع و تکرار در چارچوب نظام معیار اسلامی تبدیل شود. دانش آموزان تفاوت های فردی، جنسیتی و اجتماعی دارند بنابراین از یکسان سازی در تربیت فاصله بگیریم، به سمت پذیرش تفاوت ها و تنوع فرهنگی اجتماعی برویم یعنی به نوعی از تمرکز گرایی فاصله بگیریم، فرصت بهره برداری از امکانات محلی را فراهم کرد. نگاه نباید این باشد که همه دانش آموزان را در مدرسه یکسان ببینیم؛ (۱) استعدادها و قابلیت های دانش آموزان متفاوت است. (۲) مدرسه ها در موقعیت های جغرافیایی اجتماعی فرهنگی متفاوتی در ایران اسلامی پخش هستند.

باید تلاش کنیم به این تفاوت ها احترام بگذاریم و زمینه پرورش این تفاوت ها را داشته باشیم و نگاه تولید انبوه گونه نداشته باشیم. فرض بگیریم کارخانه ای هستیم که می خواهیم محصول تولید کنیم، محصول ما انسان است. انسان ها تفاوت ها با یکدیگر دارند. تفاوت ها در تصمیمات تربیتی ما پذیرفته شود. مدرسه باید برای گروه ها و استعدادهاى مختلف منعطف باشد. باید امکان دیده شدن افراد با استعدادهاى مختلف را در مدرسه بتوان فراهم کرد و هر دانش آموزی احساس کند در مدرسه پاسخگوی نیازهای او و توانایی های او هستیم.

- پنجمین چرخش، از نگاه تجزیه ای و تفکیکی به انسان که در برنامه ریزی های امروز ما حاکم است، باید به یک نگاه یکپارچه نگر و تلفیقی به هویت انسان در تمام ابعاد و ساحت های تربیت بپردازیم. امروز در دستگاه تعلیم و تربیت هرکسی خود را مسئول بخشی از جنبه های تربیتی افراد می داند. یک نگاه تفکیکی داریم. در صورتی که انسان موجودی واحد یکپارچه است. او قابل تجزیه نیست که بگوییم مسئول این بخش از وجود آدمی هستیم. بایستی به انسان به عنوان یک موجود یکپارچه و نگاه کل داشته باشیم. برنامه ریزی ها و اقدامات ما در مدرسه بایستی به شکل هماهنگ صورت گیرد. کلیت دانش آموزان را بایستی در نظر بگیریم. وجه هویت عمومی آنها را باید در نظر بگیریم و با یک نگاه یکپارچه به آنها و به تمام جنبه های تربیتی آنها توجه کنیم. برای نمونه، معلم ورزش نگوید من مسئول تربیت جسم او هستم یا مربی تربیتی بگوید من مسئول تربیت اعتقادی اخلاقی او هستم و معلمی بگوید من مسئول کار آموزشی او هستم. همه عوامل در مدرسه نسبت به کلیت دانش آموزان و تمام جنبه های وجودی دانش آموزان مسئولیت دارند. معلم ورزش و تربیت بدنی نیز مسئول تربیت اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و هنری دانش آموز است. معلم، مربی تربیتی و دیگر عوامل در مدرسه نیز همین طور.

- چرخش ششم، چرخش از دانش آموز منفعل در کلاس درس به یک مربی فعال در محیط های تربیتی است. امروز ما اعتراف می کنیم در مدارس و محیط های تربیتی ما، دانش آموزان کمتر مشارکت دارند و کمتر در فرآیند یادگیری فعال هستند. عمدتاً دانش آموزان در مدارس، منفعل تصمیمات تربیتی ما و برنامه های ما هستند و کمتر نقش آفرینی می کنند؛ این یک نقص و ضعف است. باید به جای اینکه دانش آموزان منفعل در مدرسه باشند و همه امور در اختیار مربیان و مسئولان مدرسه باشد و از پیش همه چیز تعریف شده باشد، باید محیطی فراهم کنیم که خود دانش آموزان فعال باشند. دانش آموزان دارای اراده هستند و باید اراده دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد و تقویت شود. دانش آموز باید در فرآیند یادگیری در مدرسه فعال باشد؛ در همه امور، در کلاس درس، موقعیت های فرهنگی، هنری، ورزشی و همه فعالیت هایی که در مدرسه است، باید دانش آموزان محور باشند، نقش آفرین باشند و مربیان، راهنما و ناظر و هدایتگر باشند. دانش آموز نباید مصرف کننده صرف در مدرسه باشد و باید به سمتی برود که عنصر فعال، اثربخش در مدرسه باشد. خود او در خود و دوستانش در مدرسه تأثیر گذار باشد.

- چرخش هفتم، از روش های خشک فردی و انعطاف ناپذیر به سمت کارهای فعال و گروهی حرکت کنیم. چرا مدارس برای دانش آموزان جذابیت ندارد. نشانه های نداشتن جذابیت را می توان موقع تعطیلی مدارس دید که دانش آموزان چگونه به سرعت از مدرسه دور می شوند.

یکی از علل جذاب نبودن مدرسه ها، روش های آموزشی و یادگیری ماست که عمدتاً تحرک لازم را به دانش آموزان نمی دهد و باید به سمتی برویم کارهای گروهی را در مدرسه مبنا قرار دهیم. روش ها به سمت کار گروهی و جمعی حرکت کند. به روش هایی استناد کنیم و به کار بگیریم که دانش آموزان فعال باشند. اگر قرار است در مدرسه، کلاس جشنی برپا شود، همه امور جشن را دانش آموزان انجام دهند. مربی و معلم زمینه سازی کند و تقسیم کار کند. اگر قرار است آرایش کلاس درس صورت گیرد، آرایش توسط دانش آموزان صورت گیرد. اگر قرار است اردو، مسابقه یا مراسمی برگزار شود، همه امور را در اختیار دانش آموزان قرار دهیم تا مدرسه برای دانش آموزان جذابیت لازم را داشته باشد.

- هشتمین چرخش تحول آفرین، تبدیل رقابت های فردی و تنش را به رفاقت های جمعی و تعالی بخش است. مشاهده می شود که مدارس، نوع سیاست ها و برنامه های ما به رقابت های فردی دامن می زند. نوعا رقابت های فردی، تنش زاست؛ مسابقات ورزشی، فرهنگی و علمی در مدرسه. به خصوص در دوره ابتدایی که دانش آموزان تازه تجربه اجتماعی کسب می کنند، باید این حس شیرین رفاقت و کار جمعی را به دست بیاورند. بنابراین باید تلاش شود رقابت های بین دانش آموزان را در مدرسه به شدت کاهش دهیم. این تجدید نظر در روش تدریس، اداره مدرسه و نوع تکالیفی که می سپاریم صورت گیرد. اگر قرار است تشویقی صورت گیرد، تشویق جمعی صورت گیرد. اگر قرار است امتیازی داده شود، امتیاز جمعی صورت گیرد تا دانش آموزان به کار جمعی علاقه مند شوند. وقتی به رقابت های فردی دامن می زنیم، رقابت های فردی به شدت بین کودکان کدورت ایجاد می کند و دلخوری ایجاد می شود. رقابت های فردی نوعا یک برنده بازنده دارد. بازنده احساس خسارت می کند و تجربه زیبا در مدرسه به دست نمی آورد. در جامعه باید با تعاون و همکاری و مشارکت کنار همدیگر زندگی کنیم و از هم حمایت کنیم. در جامعه مگر می توان هرکسی راه خود را طی کند. جامعه ای که هرکسی راه خود را طی کند، عاقبت خوبی ندارد. پس راه آن از مدرسه است. اگر در کلاس ها و مدرسه، به رفاقت های جمعی، همکاری، تعاون رو آوریم و رقابت های فردی را دامن نزنیم، روابط خوب؛ دوستی صمیمت، همکاری و معازدت را بین دانش آموزان برقرار کرده ایم. اینها نیازهای امروز جامعه ماست. عمده شراکت های افراد به شکست منجر می شود چون در مدرسه کار گروهی و جمعی را تجربه نکردند. مصالح جامعه خود را قربانی فرد گرایی نکنیم. مشاهده می شود که در جامعه ما به خاطر منافع شخصی و فردی خود حاضرند هر نوع خسارتی را به جامعه بزنند یعنی خود را می بیند. بنابراین باید تلاش کنیم این نگرش که موفقیت همه ماست، نتیجه گیری همه ما در گرو کار جمعی است که در آموزه های دینی چه قدر به این موضوع تأکید شده است.

- نهمین چرخش تحول آفرین کلان، انتقال اطلاعات و حافظه محوری است که در وضعیت کنونی عمده آموزش ها بر آن متمرکز است و به وضع مطلوبی تحت عنوان کسب شایستگی ها در تمام ساحت های تربیت باید منتقل شود.

یکی از نواقص و اشکالات نظام آموزشی ما این است که ما متأسفانه بر حافظه محوری و حافظه پروری بیشتر تمرکز داریم و در فرآیند یادگیری، انتقال اطلاعات عمدتا توسط نظام آموزشی موجود دنبال می شود که بخشی از وظیفه آموزش و پرورش است ولی تمرکز بیش از حد بر این، آثار نامطلوبی را ایجاد کرده به طوری که محدودیت هایی برای تفکر محوری، پژوهش محوری، اندیشیدن و خلاقیت ایجاد کرده است. به جای تأکید بر انتقال اطلاعات، حافظه محوری و پس گرفتن آنها از طریق امتحانات و ارزشیابی ها باید به سمتی برویم که دانش آموزان در مدرسه شایستگی های لازم را در زمینه های مختلف کسب کنند. این شایستگی ها در قالب ساحت های شش گانه تربیت است؛ کسب شایستگی در حوزه اعتقادی اخلاقی، کسب شایستگی در بعد اجتماعی سیاسی، کسب شایستگی در بعد علمی و فناوری، کسب شایستگی در بعد اقتصادی حرفه ای، کسب شایستگی در بعد زیستی بدنی و کسب شایستگی در بعد فرهنگی هنری. البته این شایستگی ها باید متناسب با پایه های تحصیلی و دوره ها صورت گیرد که بدیهی است جزئیات این موضوع را در بحث های مطالعات تکمیلی می توان دنبال کرد.

آنچه که مهم است در یک نگاه احساس کنیم که دستگاه تعلیم و تربیت به جای تأکید بر انتقال اطلاعات و تقویت حافظه ها به تعلق خاطر و تأکید آن بر کسب شایستگی هایی است که در زمینه های مختلف اشاره کردیم.

- دهمین چرخش تحولی کلان این است که در وضع موجود، سازگاری با شرایط محیطی را معمولاً به دانش آموزان و مربیان آموزش می دهیم، فرد را به نحوی تربیت می کنیم که با شرایط محیطی سازگاری داشته باشد، تسلیم شرایط و موقعیت های محیطی شود. در صورتی که این رویکرد، رویکرد خوبی نیست. بایستی فرد را به نحوی تربیت کنیم که به جای سازگار شدن و تسلیم شرایط محیطی به سمت هویت یابی خودش حرکت کند و به سمت مقاومت در برابر شرایط نامساعد و تغییرات آنها برود و بتواند در ناملایمات ایستادگی کند و درونش نیرویی شکل بگیرد که تسلیم محیط و شرایط نامطلوب نشود. قدرت نه گفتن داشته باشد و بتواند در برابر ناملایمات و شرایط نامساعد ایستادگی کند. یکی از آسیب هایی که دانش آموزان می خورند از این است که قدرت نه گفتن و دفاع از خود ندارند، محیط آنها را به تسلیم شدن در مقابل حوادث و اتفاقات ناگوار وادار می کند در صورتی که تعلیم و تربیت باید او را به نحوی آماده کند که در مقابل شرایط نامساعد ایستادگی و مقاومت کند و از خود دفاع کند و تسلیم وضع موجود نشود و قادر باشد شرایط نامساعد را تغییر دهد. برای همه موقعیت هایی پیش می آید که شرایط نامساعد حاکم می شود؛ اگر قرار باشد که شرایط نامساعد ما را بشکند، به طور طبیعی قادر نخواهیم بود خود را حفظ کنیم. باید فرد را آموزش دهیم که در دوران مدرسه و موقعیت های نامساعد از خود دفاع کند و شرایط را تغییر دهد که فردا وارد جامعه می شود، ازدواج می کند، وارد سازمان و محیط کارهای بزرگتری می شود، تسلیم و وامانده در مقابل شرایط نامساعد قرار نگیرد و عنصر فعالی باشد و اراده قوی و نیرومندی را در او پرورش دهیم که بتواند بر این شرایط نامساعد و سختی ها و مرارت هایی که در مسیر زندگی برای همه پیش بیاید، ایستادگی کند و بتواند موقعیت و شرایط را به نحو خود تغییر دهد و تحت تأثیر شرایط، از بین نرود. این یکی از مأموریت های مهمی است که دستگاه تعلیم و تربیت با همت همکاران به خصوص در دوره ابتدایی بسیار حائز اهمیت است. اگر از همان روزهای اول که دانش آموزان در مدرسه حضور پیدا می کنند، کلاس اول و دوم، آنها را تسلیم گونه بار بیاوریم، مطمئن باشید در آینده ضرر زیادی خواهیم کرد. نباید در طول دوران تحصیل به خصوص پایه های اول، دوم، سوم و در دبستان دانش آموزان را وادار به تسلیم در شرایط کنیم، از آنها کاملاً بخواهیم که در اختیار ما قرار بگیرند. اراده آنها را از خودشان سلب نکنیم. نباید تلاش کنیم که دانش آموزان هنگام ورود به مدرسه؛ کلاس اول، دوم، سوم و سایر پایه ها به نحوی عمل کنیم که تسلیم ما باشند. تسلیم پذیر بار آوردن دانش آموزان و آزادی عمل آنها را گرفتن و آنها را به نحوی توجیه کردن که تسلیم محیط و شرایط باشند، به ضرر همه دانش آموزان در طول عمرشان است. باید تلاش کنیم به آنها روحیه ایستادگی، مقاومت و کوشش برای تغییر شرایط نامساعد را در خود تقویت کنند. ما کوشش کنیم آزادی آنها را نگیریم و آنها را به نحوی تربیت کنیم که برای شرایط نامساعد، قدرت ایستادگی داشته باشند. اگر فکر کنیم بر دانش آموزان مسلط شویم و آنها را وادار به تسلیم کنیم، مطمئناً به ضرر تعلیم و تربیت و جامعه خواهد بود و اینها بعدها انسان های ضعیف، ناتوان و تسلیم پذیر بار می آیند. بایستی مراقبت کنیم که حس آزادی، اختیار و اراده دانش آموزان در دستگاه تعلیم و تربیت از بین نرود.

اینها چرخش های کلان تحول است؛ ده نکته، ضعف های دستگاه تعلیم و تربیت است و باید به سمتی برویم که شرایط مطلوب حاصل شود. امیدواریم با تلاش و همت، به نحوی حرکت کنیم که در سال های آینده، آموزش و پرورش شاهد این شرایط موجود نباشد و به وضعیت مطلوب برسیم. قصد از تبیین چرخش های تحول آفرین این است که به شکل ملموس دریابید مسیری که برای تحول و آموزش و پرورش ترسیم شده، چیست و با بهره گیری از این چرخش ها، چرخش های مخصوص به خود را در کلاس درس و مدرسه تولید کنید و با بومی سازی و متناسب سازی این با محیط مدرسه، چرخش هایی در امر مدیریت و کلاس داری ایجاد کنید.

چرخش های زیر نظام های تربیت رسمی و عمومی

در هر کدام از این زیر نظام ها چرخش هایی پیش بینی شده که اینها با جنبه های اجرایی و صحنه های اجرایی کاملاً نزدیک است. بنابراین تغییرات منظم و هماهنگ که همان چرخش های تحول آفرین است، بایستی از طریق زیر نظام های نظام تربیت رسمی و عمومی اعمال شود تا شاهد تحول مطلوب در آموزش و پرورش باشیم.

۱. زیر نظام راهبری و مدیریت؛ برای این زیر نظام ۵ چرخش خرد پیش بینی شده است. وضعیت فعلی، آنچه که هست و وضعیت مطلوب آنچه که باید به سمت آن حرکت کنیم. وضعیت فعلی، واقعیت هایی است که به عنوان نواقص و ضعف های نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود و بایستی تلاش کنیم از اینها فاصله بگیریم تا شرایط مطلوب.

چرخش های تحول آفرین زیر نظام راهبری و مدیریت	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
نظارت و مدیریت کنترلی	راهبری تربیتی مبتنی بر نظام معیار اسلامی
تمرکز گرایی	مشارکت و مسئولیت پذیری مبتنی بر خرد جمعی
برنامه ریزی های موردی و پراکنده	برنامه ریزی های راهبردی و آینده نگر
حاکمیت نگاه جزیره ای در حوزه های اجرایی	تأکید بر فرآیندها و پیامدها بر اساس نظام معیار اسلامی
انتصاب سلیقه ای مدیران بر اساس ضوابط اداری	شایسته سالاری در مدیریت

- اولین چرخش در زیر نظام راهبری و مدیریت، چرخش از نظارت و مدیریت کنترلی به سمت راهبری تربیتی مبتنی بر نظام معیار اسلامی است. در چرخش های کلان تحولی اشاره شد که در دستگاه تعلیم و تربیت، نوعاً نگاه بر کنترل دانش آموزان و متریان، حاکم است. کنترل از شیوه های مختلف صورت می گیرد؛ چه از طریق برنامه درسی ملی، چه از طریق روش های مدیریتی در سطح مدارس. بنابراین کنترل و نظارت مستمر بر متریان و آنها را در شرایط تنگنا قرار دادن، موجب نارضایتی متریان در تعلیم و تربیت می شود. باید به سمت راهبری تربیتی حرکت کنیم. راهبری تربیتی یعنی مجموعه فعالیت های مدرسه و کلاس های درس و فعالیت های پرورشی و ورزشی مدرسه را به سمتی پیش ببریم که زمینه های خود کنترلی در دانش آموزان افزایش پیدا کند و با رویکرد راهبری به جای مدیریت، روشی را اعمال کنیم و نهایتاً راهبری تربیتی یعنی اینکه نتایج تربیتی از نحوه اداره مدرسه حاصل شود. اگر محیط مدرسه یا کلاس

درس را با روش های سختگیرانه و کنترلی و محدود کننده اعمال کنیم، آثار تربیتی ناخوشایندی را بر مربیان خواهد داشت. بایستی کوشش کنیم که راهبری تربیتی اتفاق بیفتد. راهبری در نقطه مقابل اعمال مدیریت کنترلی است، آزادی عمل می دهد، زمینه سازی می کند، نظارت کلی اعمال می کند تا فرد در مسیر مورد نظر حرکت کند.

- دومین چرخش در زمینه راهبری و مدیریت، از تمرکزگرایی به مشارکت و مسئولیت پذیری مبتنی بر خرد جمعی حرکت کنیم. یکی از واقعیت های تلخ دستگاه تعلیم و تربیت یعنی آموزش و پرورش، تمرکز بیش از حد در این دستگاه است به طوری که تصمیم گیری های زیادی از سوی سطوح اجرایی از قبیل ستاد وزارت آموزش و پرورش، استان ها و مناطق بر مدارس اعمال می شود. چه بسا در مدرسه، مدیریت مدرسه با رویکرد تمرکز گرایی یعنی تصمیمات، اقدامات در او جمع می شود، معلمان و دست اندر کاران و حتی دانش آموزان و اولیا در تصمیم گیری ها نقش چندانی ندارند و موجب می شود که پویایی، خلاقیت و روحیه مشارکت پذیری در سیستم ما پیش نرود. تمرکز گرایی یک آفت جدی برای خلاقیت، شکوفایی و پویایی است؛ حرکت از تمرکز گرایی به سمت مشارکت تمام دست اندر کاران در تعلیم و تربیت در مدرسه؛ فرض کنید در کلاس درس مشارکت دانش آموزان در فرآیند یادگیری، اداره کلاس، فعالیت های پرورشی، آموزشی، مسابقات و جشنواره ها و تقویت روحیه مسئولیت پذیری در دانش آموزان نسبت به وظایفی که دارند.

- چرخش سوم در باب برنامه هاست. باید از برنامه ریزی های موردی و پراکنده به سمت برنامه ریزی های راهبردی و آینده نگر حرکت کنیم. به هر حال، دستگاه تعلیم و تربیت، فرزندان این مرز و بوم را برای آینده کشور تربیت می کند. بنابراین نگاه آینده نگرانه در مجموعه مسئولان و دست اندر کاران، حاکم باشد و آینده را مورد توجه قرار دهیم. در کلاس درس هم در شیوه برنامه ریزی در مدرسه هم بایستی به نحوی این برنامه ریزی اتفاق بیفتد که هدف های تربیتی در آینده قابل تحقق باشد و با یک رویکرد بلند مدت برای مجموعه مدارس و حتی برای کلاس های درس، برنامه ریزی شود. متأسفانه امروز پراکندگی در مجموعه از نوع برنامه ریزی وجود دارد و بایستی مجموعه از این آفت فاصله گیرد و به سمت برنامه های بلند مدت و راهبردی حرکت کند.

- چرخش بعدی، حاکمیت نگاه جزیره ای در حوزه های اجرایی است که اشکال است و باید به تأکید بر فرآیندها و پیامدها بر اساس نظام معیار اسلامی تبدیل شود. مصادیق این چرخش را در داخل مدرسه گفتگو می کنیم. نگاه جزیره ای بدین معناست که در مدرسه هر کدام از عوامل مثلاً مربی تربیتی، مربی ورزش، معاون مدرسه، مربی بهداشت و یا معلمان هر کدام به حوزه کاری خود، کار داشته باشند و به کلیت نتیجه کار مدرسه نگاه نکنند و هرکس تلاش کند بخش خود را بدون در نظر گرفتن سایر شرایط جلو ببرد. به هر حال مدرسه یک کل واحد است و برآیند کار همه در مدرسه می تواند زمینه موفقیت مدرسه را فراهم کند. باید کوشش شود در مدرسه به جای اینکه حوزه های اجرایی از هم تفکیک و مجزا از هم عمل کنند، به آثار و نتایج کار توجه کنیم، به اصلاح روش ها و فرآیندهای مدرسه توجه کنیم تا همه در دستیابی به یک خروجی مناسب در مدرسه، زمینه را فراهم کنیم.

- آخرین چرخش در این بخش، بحث انتصاب سلیقه ای مدیران بر اساس ضوابط اداری است که به یک شایستگی سالاری در مدیریت تبدیل شود. متأسفانه باید اعتراف کنیم در بخش هایی از آموزش و پرورش انتصاب ها جنبه سلیقه ای دارد؛ در انتصاب مدیر مدرسه، انتخاب همکاران، انتخاب در سطوح منطقه ای، استانی و ستادی متأسفانه گاهی اوقات انتصاب های سلیقه ای حاکم است. باید از این انتصاب های سلیقه ای که به شدت به ضرر سیستم است، پرهیز شود و شایسته سالاری را جایگزین کنیم. اگر یک مدیر مدرسه بخواهد معاون برای خود انتخاب کند، تلاش نکند صرفاً دوستان را دور خود جمع کند، سعی کند افراد شایسته و توانمند و دارای صلاحیت های حرفه ای اخلاقی را شناسایی کند و به کار گیرد. بنابراین این یکی از مصداق های این موضوع در سطح مدرسه است.

اگر این اصلاحات صورت گیرد، می توانیم شاهد بهبود وضعیت آموزش و پرورش در آینده باشیم.

۲. زیر نظام برنامه درسی؛ بخشی مهمی از برنامه درسی به شکل رسمی از طریق سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش آماده می شود و در اختیار مدارس قرار می گیرد. بخش از آن نیز به عهده همکاران در مدارس، مدیران، شورای مدرسه، شورای معلمان است؛ جایگاه هایی که بخشی از برنامه درسی را با صلاحدید خود و امکانات مدرسه تنظیم می کنند.

چرخش های تحول آفرین زیر نظام برنامه درسی	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
برنامه درسی موضوع محور	برنامه درسی مبتنی بر ساحت های تربیت برای کسب شایستگی ها
برنامه درسی متمرکز	برنامه ریزی درسی متکی بر مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهیم در تربیت در تمام سطح
برنامه درسی تک وجهی	برنامه درسی چند وجهی (ساختار مثلثی)
برنامه درسی نتیجه محور	برنامه درسی پیامد محور (تحقق شایستگی ها در سطوح محصول و سطح برونداد نظام و پیامد آن در سطح جامعه)
یادگیری موضوعات	فرآیند دستیابی به اندیشه ورزی و درک معنا
جدایی سازی برنامه های آموزشی و پرورشی	برنامه درسی یکپارچه

از برنامه درسی موضوع محور باید حرکت کنیم به برنامه درسی مبتنی بر ساحت های تربیت برای کسب شایستگی ها.

- آنچه که امروز در برنامه درسی در مدارس عرضه می شود، در قالب موضوعات است. مثلاً موضوع درس ریاضی، علوم و مطالعات، دینی و قرآن، به شکل تفکیکی و موضوعی در فرآیند یادگیری در مدارس آموزش داده می شود. در صورتی که رویکرد مطلوب این است که ما به سمت به دست آوردن یک برنامه درسی برای ساحت های تربیتی ششگانه باشیم. یعنی به جای حرکت در برنامه درسی تفکیکی موضوع محور به سمت برنامه درسی تلفیقی برای کسب شایستگی ها بر اساس ساحت های تربیت برویم.

- چرخش دوم؛ از برنامه ریزی درسی متمرکز به سمت برنامه ریزی درسی متکی بر مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهیم در تربیت در تمام سطوح برویم. امروز بخش مهمی از برنامه درسی به صورت متمرکز توسط

سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش آماده می شود و باید به سمتی حرکت کنیم که برنامه ریزی متمرکز به سمت کاهش تمرکز در برنامه درسی برود و با تکیه بر توانمندی و مشارکت عوامل مؤثر و سهیم باشد. باید به سطوح استانی، منطقه ای و به خصوص امیدواریم به شرایطی برسیم که بخش مهمی از تصمیم گیری در مورد برنامه درسی به مدرسه و معلمان واگذار شود تا متناسب با مقتضیات و شرایط اجتماعی خودشان تصمیم بگیرند.

- چرخش بعدی، برنامه درسی تک وجهی به برنامه درسی چند وجهی (ساختار مثلثی). وقتی برنامه درسی موضوع محور شود، زمینه تک وجهی یا تک بعدی را به خود خواهد گرفت. باید به سمتی حرکت کنیم که برنامه درسی به جای تکیه بر یک وجه از مباحث مختلف، در جنبه های مختلف تهیه شود که اگر آن رویکرد ساحت های تربیتی اعمال شود، از حالت تک وجهی و تک بعدی، می تواند خارج شود و جنبه تلفیقی و ترکیبی به خود بگیرد.

- چرخش بعدی، از برنامه درسی نتیجه محور به برنامه درسی پیامد محور باید حرکت کرد. برنامه درسی نتیجه محور، برنامه درسی است که نتایج را در پایان یک دوره زمانی جستجو می کنید و آن نتایج را مورد توجه قرار می دهید؛ در قالب امتحانات یا ارزشیابی طول سال تحصیلی یا ارزشیابی سالانه پایانی. در صورتی که باید به سمتی حرکت کنیم ضمن اینکه ارزشیابی از نتایج آموخته های دانش آموزان در دروس مختلف را بررسی می کنیم مهم تر این است که به آثار و پیامدهای بلند مدت برنامه درسی فکر کنیم. تحلیلی که در بخش چرخش های تحول آفرین کلان اشاره شد که آموزش و پرورش باید کارکردهای اجتماعی فرهنگی داشته باشد. این بحث ناظر به آن است یعنی اقدامات و تلاش های ما در آموزش و پرورش باید در آینده جامعه تأثیرگذار باشد. اگر خروجی های ما که از مدرسه بیرون برود، ببینیم به یک جامعه مناسب دسترسی پیدا کردیم. پیامد محوری یعنی تعقیب کردن آنچه در فرآیند یادگیری در مدرسه اتفاق می افتد، در دراز مدت در آثار اجتماعی فرهنگی که فرد از نظام آموزشی خارج می شود و مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی یک نگاه بلند مدت داشتن. نبایستی دلخوش کنیم که فرض کنید فلان مقدار مواد آموزشی را به دانش آموزان آموزش دادیم و آنها نمرات خوب دریافت کردند و بعد در آینده شاهد باشیم که در مسائل فرهنگی اجتماعی نتایج خوب بگیرند. فرض کنید در آموزش مباحث دینی دانش آموزان، دانش دینی دانش آموزان را مورد توجه قرار دهیم و بر دانش افزایی دانش دینی دانش آموزان متمرکز شویم ولی از رفتارهای دینی آنها غفلت کنیم. به هر حال آنچه که به عنوان سبک زندگی در قالب آموزش های فرهنگی و تربیتی به دانش آموزان داده می شود، برای امتحان دادن نیست. دانش آموز چه بسا در امتحانات سراسری، کنکور سراسری و در بسیاری از مواردی که گفته شده، دانش لازم را دارد ولی رفتار و عملکرد مطلوبی را از خود در جامعه نشان نمی دهد. پیامد محوری یعنی توجه به عملکرد خروجی های دانش آموزان در بعد از نظام آموزشی و نتایج را آنجا رصد کردن.

- از چرخش های دیگر در برنامه درسی، به جای یادگیری موضوعات، هدایت دانش آموزان به فرآیند دستیابی به اندیشه ورزی و درک معنا است. به جای اینکه تمرکز داشته باشیم که فلان موضوع را در فلان درس یاد گرفت یا خیر و به آن اکتفا کنیم، زمینه فراهم کنیم که او را در آن موضوعات مختلف، بیندیشد،

تفکر و اندیشه ورزی کند و به دریافت های عمیق تر از آن موضوع تلاش کند. ما دلخوش و اکتفا نکنیم به آنچه به عنوان موضوعات در کتاب های درسی یا در برنامه های درسی به آنها می دهیم.

- آخرین چرخش در برنامه درسی، چرخش از جدا سازی برنامه های آموزشی و پرورشی که وضع موجود است به سمت برنامه درسی یکپارچه. در مدرسه امروز شاهد هستیم که بخشی از برنامه ها به عنوان برنامه های آموزشی و بخشی به عنوان برنامه های پرورشی نامگذاری شده و انجام می شود.

در سند تحول واژه تربیت به جای آموزش و پرورش اختیار شده. وقتی می گوییم تربیت اعم از آموزش و پرورش است. بنابراین نگاه سند، نگاه تفکیکی نیست. چیزی به نام برنامه آموزشی و یا برنامه پرورشی نداریم. همه این ها برنامه های تربیتی هستند. تفکیک آموزش و پرورش یک تفکیک غلط است. هر برنامه آموزشی اگر درست طراحی شود، به نتایج پرورشی مناسبی دسترسی پیدا می کند و هر برنامه پرورشی مناسب اگر برنامه ریزی شود، بدون آموزش مناسب امکان پذیر نیست. بنابراین رویکرد تفکیک و جدا سازی پرورش از آموزش را بایستی از حوزه تعلیم و تربیت دور کنیم و تلاش کنیم که نگاهی یکپارچه به تربیت مد نظر باشد و برنامه ریزی های ما در مدرسه تلفیقی باشد. دسته آموزش و دسته پرورش؛ این نوع تقسیم بندی ها، تقسیم بندی های مناسب نیست. اگر چنین رویکردی در مجموعه ما اتفاق بیفتد، دیگر افراد با مأموریت های مختلف در مدارس نداریم. مأموریت همه افراد در مدرسه تربیت است. منتها این افراد برای انجام وظیفه شان، هر کدام از بخشی موضوع را پی می گیرند. آنجا که آموزشی می شود، هدف تربیتی است و در مباحث پرورشی، با بهره گیری از آموزش در نهایت برای تربیت است و نهایتاً برآیند و نتیجه کار همه عوامل درون مدرسه، تربیت می شود. این هم از رویکردهای بسیار مهم است.

۳. زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی؛

چرخش های تحول آفرین زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
معلم به عنوان انتقال دهنده دانش	معلم به عنوان مربی و اسوه تربیتی و سازمان دهنده فرصت های تربیتی متنوع برای احیا و ارتقای مراتب حیات طیبه متربیان
معلم به عنوان مجری تصمیمات برنامه درسی	برنامه هایی منعطف برای دستیابی آنان به هویت حرفه ای منحصر به فرد و توسعه آنان مبتنی بر نظام معیار اسلامی
برنامه های صلب و بسته در تربیت مربیان	ارزیابی عملکرد و صدور درجه مربیگری بر اساس میزان کارآمدی و اثربخشی
ارتقای خود به خودی سطح حرفه ای مربیان	مشارکت جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح مختلف (مدرسه، محلی، ملی و بین المللی)
فرهنگ سازمانی بسته (محصور نمودن مربیان در فضای مدرسه)	نگاه به معلم به عنوان شخصیتی علمی و تربیتی
نگاه به معلم به عنوان کارمند اداری	برنامه هایی منعطف برای دستیابی آنان به هویت حرفه ای منحصر به فرد و توسعه آن مبتنی بر نظام معیار اسلامی

- اولین چرخش در وضعیت فعلی، معلم به عنوان انتقال دهنده دانش تلقی می شود و این تلقی، تلقی غلط است. وظیفه معلم انتقال دهنده دانش نیست. هر چند که انتقال دانش بخشی از وظایف معلم است. در

سند تحول، معلم را مربی خطاب کرده یعنی برای معلم، کارکرد تربیتی قائل است. هیچ واژه دیگری در سند تحول به کار برده نشده است. وقتی می‌گوییم مربی یعنی معلم، مربی تربیتی، مربی پرورشی، مربی ورزش، مربی بهداشت، مدیر مدرسه و همه معلمانانی که هر درسی می‌دهند. خوشبختانه در دوره ابتدایی به خصوص در پایه‌های اول، دوم و سوم معمولاً تک معلمی هستند و فرصت بسیار خوبی است و از رویکردهای سند است که معلمان بتوانند سه سال اول را با دانش‌آموزان طی کنند تا شرایط مناسب. رویکرد و نگاه مان را به معلم اصلاح کنیم به جای اینکه معلم انتقال‌دهنده دانش (فیزیک، زبان، ریاضی، تاریخ، جغرافی، فارسی، دینی و قرآن) باشد، باید او را به عنوان تربیت‌کننده قلمداد کنیم و برای او نقش تربیتی تمام‌عیار بر اساس ساحت‌ها قائل شویم. معلم از انتقال‌دهنده دانش به مربی و اسوه تربیتی تبدیل شود. به خصوص در دوره ابتدایی، نگاه دانش‌آموزان به معلم، نگاه بسیار متعالی است. گاهی اوقات گزارش‌هایی دریافت می‌شود و تجربه‌های شخصی داریم که پدر و مادر دانش‌آموزی معلم هستند ولی در تصمیمات و اقدامات خود تلاش می‌کند به حرف معلم گوش دهد تا پدر و مادرش. در سه سال اول به خصوص، معلمان جایگاه بسیار رفیعی دارند. گاهی اوقات به اغراق گفته می‌شود که معلمان خدای دانش‌آموزان هستند. نقش اسوه‌ای و تربیتی معلم به خصوص در دوره ابتدایی بسیار تعیین‌کننده است. این تک‌معلمی فرصت بسیار ارزشمندی است. اگر معلم که همان بر اساس آن چیزی در سند تحول گفته شده مربی است و دارای شایستگی‌ها و ویژگی‌های مناسب و اسوه و الگو و نمونه تربیتی برای دانش‌آموزان باشد، قطعاً آنها نتایج تربیتی خوبی را دریافت می‌کنند و بعد تأکید شده که مربی یا معلم، زمینه‌ساز فرصت‌های تربیتی است یعنی باید زمینه‌ساز فرصت‌های تربیتی در مدرسه ایجاد شود؛ در موقعیت‌های مختلف در کلاس درس و مدرسه، فعالیت‌های مختلفی که وجود دارد تا دانش‌آموزان خودشان آن شایستگی‌ها کسب کنند.

- چرخش دیگر، الآن معلم به عنوان مجری برنامه تصمیمات برنامه درسی تلقی می‌شود. غالباً معلمان از این موضوع شکوه دارند که برنامه ریزان و تصمیم‌گیران به صورت متمرکز برنامه درسی را آماده می‌کنند و به ما تحویل می‌دهند تا این برنامه درسی را اجرا کنیم. معلم بایستی از این حالتی که صرفاً مجری برنامه درسی باشد، به یک شخصیت حرفه‌ای تبدیل بشود که خودش بتواند برنامه درسی برای دانش‌آموزان و برنامه‌های منعطف برای دانش‌آموزان تدارک ببیند. بارها تجربه شده که در مدرسه ممکن است سه کلاس پایه اول وجود داشته باشد ولی این سه کلاس کاملاً با همدیگر متفاوتند. با این که بچه‌های یک محله هستند ولی در کلاس‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند، هویتی شکل می‌گیرد که متفاوت است. گاهی کلاس‌های الف و ب که هم‌جوار هستند، کلی تفاوت دارند. مربی در کلاس‌ها سیاست‌های مختلفی را اتخاذ می‌کند بنابراین باید معلم را از حالت مجری صرف بودن تصمیمات برنامه درسی به فرد و شخصیت حرفه‌ای تبدیل کند که خودش بتواند برنامه‌های منعطف را تولید کند.

- سومین چرخش، از وضعیت فعلی که برنامه‌های بسته که در تربیت مربیان به کار گرفته می‌شود به سمتی برویم که ارزیابی عملکرد بر اساس میزان کارایی و اثربخشی معلمان را داشته باشیم. امروز یک برنامه ثابت و واحدی و تقریباً از پیش تعیین شده‌ای در تربیت مربیان به کار گرفته می‌شود که این وضعیت را باید به سمت ارزیابی‌های بر اساس کارایی و اثربخشی تغییر دهیم.

- چرخش بعدی، ارتقای خود به خودی سطح حرفه ای مربیان است. امروز همکاران بر اساس تجارب و مدارک تحصیلی، ارتقا پیدا می کنند؛ بر اساس ارزشیابی های سالانه و به تدریج این درجات علمی و حرفه ای را به طور طبیعی طی می کنند و کسی خیلی تعیین کننده در این موضوع نیست. در صورتی که باید شرایطی فراهم شود که به جای ارتقای خود به خودی سطح حرفه ای مربیان، مشارکت جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح مختلف باشد یعنی مربی تجربیات مختلف را در عرصه های مختلف مدرسه، محلی و ملی به دست آورد و از طریق تلاشی که در عرصه های مختلف حضور پیدا می کند، در ارزشیابی ها این شرایط را در نظر بگیریم.

- چرخش بعدی، از یک فرهنگ سازمانی بسته در مدرسه به سمت شرایط مناسب تربیت شخصیت علمی و فرهنگی برویم.

- آخرین چرخش، بحث نگاه به معلم به عنوان کارمند است. امروزه متأسفانه معلم را کارمند تلقی می کنند در صورتی که سند تحول، معلم را به عنوان یک شخصیت تربیتی و علمی می شناسد نه به عنوان یک کارمند اداری. امیدواریم این نگاه برداشته شود و معلمان به عنوان شخصیت های علمی و تربیتی به کار گرفته شوند.

۴. زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی؛ هرچند مخاطب مستقیم این بخش همکاران ما نیستند. ولی به جهت اینکه از جهت گیری های کلان تحول آگاهی داشته باشید، این بخش معرفی می شود.

چرخش های تحول آفرین زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
انحصار در تأمین منابع	مشارکت در تأمین منابع
هزینه کرد منابع	مدیریت و سیاست گذاری بهینه منابع و مصارف
عرضه مدار و نهاده محور	ستانده و نتیجه محور
توزیع یکسان منابع	تنوع منابع و توزیع عادلانه آن
نگاه به نظام تربیت رسمی و عمومی در تخصیص منابع مثابه دستگاه مصرفی	دستگاه سرمایه ای و مولد منابع انسانی
تغییر در روش نظارت بر هزینه توسط ذیحسابی	حسابرسی پس از خرج

- امروز در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش، تکیه اصلی بر دولت است و صرفاً دولت است که منابع مالی آموزش و پرورش رسمی را تأمین می کند هر چند که حضور فعال مدارس غیر دولتی به کاهش بخشی از مسئولیت های دولت پرداخته است. بیش از ۸۹ درصد دانش آموزان در مدارس دولتی درس می خوانند. این رویکرد باید عوض شود و به جای اینکه منابع را صرفاً از طریق دولت تأمین کنیم باید زمینه فراهم کنیم برای مشارکت بخش های مختلف جامعه در تأمین منابع آموزش و پرورش. تکیه بر منابع دولت صرفاً نمی تواند آموزش و پرورش را جلو ببرد و شاهد هستیم که تنگناهای جدی داریم.

- چرخش بعدی این است که به جای اینکه آموزش و پرورش صرفاً به هزینه کرد منابع بپردازد و بودجه کلانی را هر سال از دولت بگیرد و آنها را هزینه کند، آموزش و پرورش باید در استفاده از این منابع به سمت سیاست گذاری استفاده بهینه حرکت کند و سعی کند منابع و مصارف را به شکل مطلوب پی بگیرد.

- چرخش بعدی به جای تولید یکسان منابع در سطح کشور، امروز منابع را بر اساس تعداد معلمان هر استان و به هر حال غالب منابع بر اساس تعداد معلمان هر استان توزیع می شود. در صورتی که در سطح کشور موقعیت های مختلف وجود دارد و شرایط استان ها متفاوت است باید در توزیع منابع از حالت یکسان به سمت توزیع عادلانه برویم. در مناطق محروم، حاشیه شهر و جاهایی که نیازمند کمک بیشتری است، باید در توزیع منابع تجدید نظر صورت گیرد.

- اشکال بعدی این است که امروزه به آموزش و پرورش به عنوان یک دستگاه مصرفی نگاه می شود که برای آموزش و پرورش بسیار نامناسب است. یک دستگاه مصرفی نیستیم و باید این رویکرد تغییر پیدا کند به یک دستگاه مولد سرمایه انسانی. چرا تلقی می کنیم آموزش و پرورش یک دستگاه مصرفی است. مسئولیت تربیت بیش از ۱۴ میلیون نفر را عهده دار هستیم. در جامعه باید تلاش شود که این نگاه اتفاق بیفتد که آموزش و پرورش صرفاً مصرف کننده نیست و تولید و تربیت نیروی انسانی را آموزش و پرورش انجام می دهد. چرا بعضی نگاه ها در جامعه وجود دارد که فلان سازمان تولید کننده است و آموزش و پرورش مصرف کننده. آموزش و پرورش تولید کننده اصلی ترین نیاز کشور یعنی نیروی انسانی است. بسیار و همه بخش ها، سازمان ها، نهادها و جامعه از تولیدات آموزش و پرورش مصرف می کنند، این نگاه ها باید عوض شود و به سمت سرمایه گذاری برای آموزش و پرورش برویم. هرچه منابع صرف آموزش و پرورش کنیم، دور نیست. این منابع به شدت در آینده کشور مفید است. خانواده ها باید سرمایه گذاری کنند. دولت بیش از این سرمایه گذاری کند. سازمان ها و نهادها باید سرمایه گذاری کنند. امکانی فراهم شده که مدارس غیر دولتی شکل گیرد. امروز نزدیک به چند هزار مدرسه غیر دولتی وجود دارد و بیش از یک میلیون و دویست سیصد هزار دانش آموز در این مدارس فعالیت می کنند. این نشان می دهد که سرمایه گذاری در این بخش به کمک مردم اتفاق افتاده و باید این نگاه در جامعه اصلاح شود.

اینها مهمترین چرخش ها در حوزه منابع مالی است هر چند که خیلی با شما ارتباط چندانی ندارد.

۵. زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری؛ مدرسه در یک موقعیت به نام مکان و فضا و کالبد حضور دارد و مدرسه در چنین موقعیتی اتفاق می افتد. اتفاقاً در سند تحول یکی از عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت، فضا و تجهیزات و فناوری قلمداد شده. در سند تحول برای فضا، کارکرد تربیتی قائل شده اند یعنی فضا از عوامل مؤثر بر تربیت است. در عین حال که فضا تأمین کننده نیازهای معلمان و متربیان است و اجرای برنامه درسی به فضا و مکان احتیاج دارد ولی خود فضا و مکان نیز تأثیر تربیتی دارد. به تجربه دریافتید که اگر کلاس درس بیش از اندازه کوچک باشد، تراکم در کلاس بالا می رود و دانش آموزان احساس دلتنگی می کنند و اکسیژن کافی در کلاس درس تأمین نمی شود. اگر مدرسه ای ۴۰۰ دانش آموز داشته باشد، حیاط مدرسه در حد گنجایش ۲۰۰ نفر باشد، این محدودیت حیاط موجب می شود که زنگ های تفریح غیر کیفی صورت گیرد و باعث می شود دانش آموزان در زنگ های تفریح با یکدیگر درگیر شوند. یا در کلاس های

درس که تدریس و فعالیت می کنید، اگر نور و معماری کلاس، گرما، سرما و اکسیژن کلاس، ابعاد میز و صندلی و فناوری هایی که وجود دارد، به شکل مناسب نباشد، کارایی شما در آن کلاس می تواند پایین آید. پایین آمدن کارایی کلاس و تأثیر فضا و مکان بر تعلیم و تربیت: ۱. فضای کم ۲. نور کم ۳. معماری کلاس ۴. گرما و سرما ۵. اکسیژن ۶. ابعاد میز و صندلی.

چرخش های تحول آفرین زی نظام فضا، تجهیزات و فناوری	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
تأمین کلاس درس	ساماندهی موقعیت های یادگیری
انحصار یادگیری در کلاس درس	تنوع بخشی به محیط های تربیتی و یادگیری
نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدارس	نگاه فرآیندی به تربیت و ساخت مجتمع ها
معماری بی هویت و وارداتی	معماری اسلامی ایرانی
مدارس بی هویت و فاقد امکانات و فناوری ها	مدارسی با هویت مدرسه صالح و کانون تربیتی محله
طراحی مدارس توسط مهندسين فنی	طراحی تیمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه صالح

- اولین چرخش، به جای تمرکز صرف بر کلاس درس باید به ساماندهی موقعیت های یادگیری در مدرسه بپردازیم. بدین معنا که وقتی قرار است مدرسه ای احداث و ایجاد کنیم، تمام نگاه ما این نباشد که فقط کلاس درس آماده کنیم. مدرسه را با کلاس درس تعریف نکنیم. کلاس درس یکی از اجزای مدرسه است. وقتی می خواهند مدرسه بسازند، یکی از مهمترین اجزای آن، کلاس درس است ولی مدرسه، مدرسه ای است که علاوه بر کلاس درس، فضای ورزشی، فضای کارگاهی، فضای کتابخانه، فضای نمازخانه، فضای فعالیت های هنری و اجتماعی، کارهای گروهی و انواع فعالیت های علمی در مدرسه امکان پذیر باشد. نگاه سند تحول این است که مدرسه را با کلاس درس یکسان نگیرید و در مدرسه موقعیت های یادگیری را ساماندهی کنیم. موارد یاد شده همه موقعیت های یادگیری است. یادگیری در نمازخانه، حیاط، فعالیت های ورزشی و همه این موارد اتفاق می افتد. موقعیت های یادگیری را باید در مدرسه، متنوع کنیم. همه یادگیری، متمرکز در کلاس نیست. پس مدرسه ای را باید بسازیم که از همه نوع امکانات لازم برخوردار باشد. گاهی متأسفانه دیده می شود که برخی مدارس غیر دولتی در یک ساختمان مسکونی تشکیل می شود. گاهی یک مدرسه غیر دولتی در یک فضای کوچک تشکیل می شود؛ این ها حس مدرسه را به دانش آموز نمی دهد. بایستی تلاش شود که محیط یادگیری دانش آموزان که همان مدرسه است، متنوع باشد و از امکانات مختلف برخوردار باشد.

- چرخش دوم، انحصار یادگیری در کلاس درس را به سمت تنوع بخشی به محیط های تربیتی و یادگیری ببریم. تصور نکنید که فقط دانش آموزان فقط در کلاس درس یاد می گیرند. دانش آموزان در محیط های متنوع تربیتی یاد می گیرند. وقتی دانش آموزان را به کانون، ورزشگاه، مرکز اردویی، پژوهش سرا، آزمایشگاه و مرکز صنعتی می برید، یاد می گیرند. باید اصلاح در ذهن ما صورت گیرد که یادگیری صرفاً در کلاس درس نیست و باید در داخل مدرسه و بیرون از مدرسه موقعیت های متنوع پیش بینی کنیم. اینجا چون بحث فضا و تجهیزات است، منظور داخل مدرسه است. در احداث، ایجاد و فراهم کردن مدارس باید به این نوع امکانات تأکید شود.

- چرخش بعدی، نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدرسه تبدیل شود به نگاه به ساخت مجتمع ها. امکانات مدارس در سطح کشور به خصوص در شهرها و مناطق دارای قدمت زیاد، امکانات مناسبی نیست. به جای اینکه تعدد مدارس را ایجاد کنیم، هر جا شرایطی فراهم شد، باید به سمت ایجاد مجتمع هایی برویم که در کنار همدیگر فضاهای مشترک داشته باشند و بتوانند از همدیگر سرویس بگیرند. امروز در بعضی از مدارس غیر دولتی به شکل مجتمعی اداره می کنند، دبستان، دوره اول، دوره دوم دارند و امکانات مشترک مانند سالن، نمازخانه، کتابخانه و فضاهای مشترک در اختیار می گیرند. هم صرفه جویی در فضا می شود و هم این فضاها در کنار همدیگر به هم کمک می کنند.

- چرخش بعدی؛ بحث معماری مدرسه است. معماری مدرسه نقش مهمی در هویت بخشی به مدرسه است. مدرسه به ماهو مدرسه است. مدرسه، ساختمان اداری، بیمارستان، درمانگاه و ساختمان تجاری نیست. مدرسه باید از طریق معماری، هویت داشته باشد. همچنان که مساجد در سطح شهرها هویت دارند. از دور که نگاه می کنیم، المان هایی وجود دارد که می فهمیم اینجا مسجد است. مدرسه باید از یک هویت معماری برخوردار باشد که همگان متوجه شوند اینجا مدرسه است و متوجه این جایگاه شوند. معماری مدارس بایستی بی هویت باشد و نسبت به معماری مدارس توجه شود. باید در ساخت مدارس به معماری اسلامی ایرانی خود توجه کنیم. باید در طراحی فضاهای مدارس باید معماری ملی که پیشینه معماری داریم، خود را نشان دهد. مدارس ۱۰۰ سال گذشته ایران مانند دارالفنون معماری خاص خود را دارد. دبیرستان های ماندگاری که در کشور هستند، دارای معماری های خاص خودشان هستند. بنابراین مدارس باید دارای معماری ویژه باشند مانند مساجد با معماری خاص خود.

- چرخش بعدی، به جای احداث مدارس توسط مهندسان فنی و عمران انجام می شود. این یکی از نواقص کار است. مدرسه احتیاج به دانش های مختلف دارد. برای احداث و طراحی مدرسه به روانشناس، جامعه شناس، متخصص تعلیم و تربیت، مهندس عمران و معمار متخصص نیاز داریم. فضا یک امر بین رشته ای است، به مدیریت آموزشی نیاز داریم. امروزه متأسفانه طراحی های مدارس نوعاً با تکیه بر رشته های عمران و فنی صورت می گیرد. در عین حال که عمران یکی از نیازهای جدی است و در عمران به مقاوم بودن و استحکام مدرسه که بسیار لازم است تأکید می شود و بایستی مدرسه را به شکل تیمی طراحی کنیم. تیمی برای مدرسه باید تشکیل شود که همه زوایای مختلف را طراحی کنند. تیمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه صالح؛ فرض کنید در مدرسه ای که تدریس می کنید، پله های مدرسه متناسب با دانش آموزان شماست یا خیر. آیا ابعاد میز و صندلی متناسب با دانش آموزان شماست. آیا رنگ آمیزی مدرسه متناسب با دانش آموزان است. آیا چیدمان فضاهای مدرسه متناسب با دانش آموز ابتدایی است. مدرسه بایستی متناسب با گروه های سنی شود؛ دبستان باید دبستان باشد؛ با مختصات نیازهای دانش آموزان گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال؛ قد، اندازه شان و ... باید لحاظ شود. نباید یک مدرسه را به عنوان دبستان و زمانی به عنوان دبیرستان استفاده کرد که کار غلطی است. حتی دانش آموزان کلاس اول با دانش آموزان کلاس ششم متفاوتند. حتی برای نمونه در دبستان ها بایستی سرویس های بهداشتی دانش آموزان پایه اول با دانش آموزان پایه ششم متفاوت باشد. ابعاد و قد و اندازه دانش آموزان؛ میز و صندلی شان. بارها در کلاس ها مشاهده می شود که یک میز برای دانش آموز کوتاه است، قد دانش آموز بلند است و میز کوتاه. دانش آموز احساس راحتی نمی

کند. جایی دیگر، برعکس، قد دانش آموزی نسبت به میز کوتاه است. وقتی روی میز می نشیند، پاهایش آویزان است و بعد از ده دقیقه، یک ربع به واسطه فشاری که به پاهایش می آید، اذیت می شود و تمرکزش را از دست می دهد. گاهی اوقات دانش آموز چیزی را روی تخته سیاه بنویسد، قد دانش آموز به آنجا اقتضا نمی کند. بنابراین اگر آن تیم برای مدرسه تشکیل شود، همه ملاحظات را می توانند داشته باشند. به خصوص که در مدارس غیر انتفاعی یا غیر دولتی موضوع بسیار حائز اهمیت است.

۶. زیر نظام پژوهش و ارزشیابی؛ یکی از زیر نظام های تربیت رسمی، بحث پژوهش و ارزیابی است.

چرخش های تحول آفرین زیر نظام پژوهش و ارزشیابی	
از وضعیت فعلی	به وضعیت مطلوب
نگاه جزئی نگر	نگاه آینده نگر و کل نگرانه برای مواجهه سازنده با چالش های نظام
تمرکز بر روش های کمی در پژوهش	تنوع و کثرت در روش های پژوهش
پژوهش های توصیفی، موردی و پراکنده	پژوهش های نظام مند، نوآورانه و تحول آفرین در راستای عملیاتی نمودن اهداف و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی
پراکندگی و جدایی مراکز پژوهشی	وحدت و یکپارچگی عملکرد مراکز پژوهشی سهیم و مؤثر در امر تربیت
تصدی گری در امر پژوهش	مدیریت، نظارت و بهره گیری از نتایج پژوهش ها
آکادمی و نظری در پژوهش های تربیتی	جهت گیری عمل مدار، تشخیصی و درمانی، تصمیم ساز و کار بستی

- امروز یکی از اشکالات موجود این است که در نظام پژوهش و ارزیابی، نگاه جزئی نگر داریم. صدها و هزاران مطالعه نسبت به مسائل بسیار جزئی صورت می گیرد. این نگاه جزئی نگر نمی تواند خیلی مشکلات ما را حل و فصل کند. پژوهشی انجام می شود در یک موضوع بسیار جزئی و کلی هزینه می شود و درباره خروجی نمی توان تصمیم گیری کرد. باید از نگاه جزئی نگر به سمت نگاه آینده نگر و کل نگرانه برای مواجهه با چالش های نظام برویم. به جای نگاه جزئی نگر به سمتی برویم که پژوهش های ما برای برطرف کردن چالش های اساسی آموزش و پرورش پیش بینی شود. مطالعات و پژوهش هایی که در مدرسه و مناطق انجام می شود، باید به سمت برطرف کردن چالش های اساسی برود و کاربردی کردن پژوهش ها از جمله مواردی است که در این بخش باید توجه شود.

- از چرخش های دیگر در زیر نظام پژوهش و ارزشیابی، بحث پراکندگی و جدایی مراکز پژوهشی در کشور است که باید هماهنگ و یکپارچه شوند و در حوزه تعلیم و تربیت متمرکز شوند. به جای آموزش و پرورش به جای تصدی گری در امر پژوهش به سمت بهره گیری از نتایج پژوهش ها حرکت کند. پژوهش هایی که بخواهد به جای پژوهش های آکادمیک، تصمیم ساز، کاربردی و پژوهش هایی که در عمل به کار آید، باید رو آورده شود و نهایتاً پژوهش و ارزشیابی زیر بنای تصمیم گیری در نظام تعلیم و تربیت شود.

این ۶ زیر نظام سند تحول بررسی شد و چرخش هایی که در هر کدام از اینها قرار است اتفاق بیفتد. مذاقه روی این چرخش ها و توجه به آنها که بخشی از آنها در مدارس انجام می گیرد، نشان می دهد اگر بخواهیم به سمت آموزش و پرورش مطلوب برویم باید در هر کدام از این زیر نظام ها چه مسیری را باید طی کنیم و

چه تغییرات اساسی صورت گیرد. به رویکرد سند تحول در بحث چرخش ها اشاره شد. چرخش ها شاخص های کلان، قطب نمای حرکت دستگاه تعلیم و تربیت به سمت وضعیت مطلوب هستند.

ساحت های شش گانه تربیت

در سند تحول بر موضوع تربیت متوازن یا تربیت همه جانبه و تربیت پایدار تأکید شده است و تربیت پایدار یا تربیت متوازن را از مسیر ساحت های شش گانه تربیت تأکید می کند. در بحث انسان شناسی سند تحول، تأکید می شود که انسان باید دارای ابعاد وجودی، استعدادها و قابلیت های گوناگون دارد. بنابراین برنامه های تربیتی که برای او تدارک می شود باید متناسب با همه ابعاد وجودی و نیازهای او باشد.

یکی از اشکالات موجود در نظام تربیتی و آموزشی کشور ما این است که تربیت همه جانبه در آن به طور جدی مورد توجه قرار نمی گیرد. بخش هایی از تربیت در رابطه با دانش آموزان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و بخش هایی از نیازهای تربیتی آنها کمتر مورد برنامه ریزی واقع می شود. پس وقتی می گوئیم تربیت متوازن یعنی تربیت همه جانبه؛ انسان دارای ابعاد وجودی مختلف است بنابراین بایستی برای ابعاد وجودی او برنامه ریزی های لازم صورت گیرد. در تربیت متوازن، تلاش می کنیم همه بخش های وجودی انسان به صورت هماهنگ جلو برود. انسان یک موجود واحد و یکپارچه است بنابراین رشد متوازن ناظر بر این است که در همه جنبه ها به صورت هماهنگ جلو برود و باید از رشد کاریکاتوری بخش هایی از وجود انسان جلوگیری کرد به طوری که انسانی که بر اساس آموزه های دینی باید تربیت شود، از جنبه های مختلف دارای استعدادهای مختلف است و قابلیت های مختلف و ظرفیت های متفاوتی دارد و بنابراین بایستی برنامه ریزی ها در مسیر توجه به همه ظرفیت ها، استعدادها و ابعاد وجودی او باشد.

این موضوع را در سند تحول از یک نگاه جدید به نام ساحت های شش گانه تربیت یاد می کنیم. در حقیقت ساحت های شش گانه تربیت، تمامی ابعاد وجودی انسان را شامل می شود. این تقسیم بندی یک تقسیم بندی اعتباری است و واقعی نیست. انسان یک موجود کل و یکپارچه است بنابراین برنامه ریزی برای او به صورت یکپارچه اتفاق بیفتد. این تقسیم بندی که در قالب ساحت های شش گانه است، به جهت این است که سیاست گذاران، برنامه ریزان و مربیان در آموزش و پرورش بتوانند برای هر بخشی از وجود او برنامه های لازم را تدارک ببینند.

اهداف وزارت آموزش و پرورش که بر اساس سند تحول در حال تدوین است و بخشی از مراحل تدوین آن به اتمام رسیده، متکی بر ساحت های شش گانه تربیت است. اهداف دوره ها و پایه های تحصیلی بر اساس ساحت های شش گانه تربیت است. تولید محتوا و هر آنچه که برای آموزش دانش آموزان پیش بینی می شود، از طریق دروس مختلف و برنامه های رسمی از طریق کتاب های درسی و برنامه هایی که در سطح مدرسه تصمیم گیری می شود، بایستی با نگاه به ساحت های شش گانه باشد. به خصوص این بحث از این جهت برای همکاران حائز اهمیت است که کلاس درس و فعالیت های آموزشی را در مدرسه با نگاه ساحت های شش گانه دنبال کنید تا تربیت متوازن مورد توجه قرار گیرد.

ساحت های شش گانه تربیت عبارتند از:

۱. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

۲. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

۳. ساحت تربیت علمی و فناوری

۴. ساحت تربیت هنری و زیبا شناسی

۵. ساحت تربیت زیستی و بدنی

۶. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

بنابراین اینها ابعاد وجودی انسان را شامل می شوند که هدف گذاری ها و تولید محتوا باید بر اساس این ساحت ها صورت گیرد و عمل تربیتی مربیان و معلمان در مدرسه نیز با تمرکز بر این است که ساحت های شش گانه را محقق کنند. مسئولیت آموزش و پرورش که تربیت متوازن است و این رویکرد که بر اساس سند تحول به آن پرداخته می شود، باید مورد توجه همکاران قرار گیرد. از طریق مدرسه و فعالیت های مختلفی که در مدرسه اتفاق می افتد، این ساحت های شش گانه باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. **ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی:** به مهمترین سرفصل های این ساحت اشاره می شود: در این بخش بایستی خود شناسی و معرفت و شناخت به خداوند متعال در برنامه های خود را مورد توجه قرار داد. در ساحت اعتقادی و عبادی، بحث معاد شناسی جزو حوزه های این ساحت محسوب می شود، بحث نبوت و بحث ولایت رهبران دینی (پیامبر و ائمه معصومین) مورد توجه قرار می گیرد. این سرفصل های کلی به طور طبیعی در پایه های تحصیلی در دوره های تحصیلی توسط متخصصان تعلیم و تربیت به شکل هدف گذاری های دقیقی در آورده می شود که از طریق برنامه های درسی آنها پیگیری می شویم. بنابراین یکی از مسئولیت های معلمان و مربیان در مدرسه، تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان است. در امر تحقق تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی حتما باید به خصوصیات فردی و جنسی متربیان، ضمن تأکید بر مشترکات میان آنها توجه شود. در تربیت اعتقادی و اخلاقی باید به رعایت اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط) مقید باشیم. تربیت متوازن بایستی هم در بعد اعتقاد اخلاقی، جنبه اعتدال و معتدل بودن امر را در نظر گرفت. اعتدال به معنای آن است که از افراط و تفریط بپرهیزیم و نه افراط کنیم بیش از حد و نه کم توجهی کنیم و به نوعی در آن تفریط صورت گیرد.

در تربیت اعتقادی اخلاقی باید بر استفاده از روش های مختلف تربیت اخلاقی و دینی تأکید متوازن و سازگار شود. این گونه نباشد که بخشی را بگیریم و سایر بخش ها مورد غفلت واقع شود. در تربیت اعتقادی اخلاقی متناسب با گروه های سنی، بر تبیین، استدلال، حساسیت و عمل اخلاقی تأکید متوازن شود. در دوران دبستان به خصوص در سه سال اول رفتار عملی و اخلاقی مربی مربی در تربیت اعتقادی بسیار حائز اهمیت است. در بعد تربیت اعتقادی و اخلاقی تأکید صرفا بر شناخت آنها نسبت به آموزه های دینی نیست. شناخت نسبت به آموزه های دینی و جنبه های اعتقادی مقدمه کار است؛ جمع بین حفظ امور ثابت دینی و پویایی، نسبت به مقتضیات زمان و مکان. این رویکرد نه شناخت گرایی صرف است و نه گرایش به رفتار گرایی دارد بلکه تأکید هماهنگ و متوازنی بر شناخت و عمل اخلاقی و استعلاعی عواطف دارد. آنچه مهم است، این است که شناخت از جنبه های مختلف دینی در رفتار دانش آموزان تجلی پیدا کند و توأم با

شناخت عملی و رفتار عملی در فرآیند تعلیم و تربیت صورت گیرد و نهایتاً در دوره ابتدایی معلمان نقش عملی تعیین کننده ای در تحقق این تربیت دارند.

۲. **ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی**؛ در یک نگاه کلی ساحت اجتماعی و سیاسی ناظر به این است که بحث ارتباطات اجتماعی دانش آموزان و مسئولیت های سیاسی آنها گفتگو می شود. این نوع تربیت در مسیر تعامل مؤثر فرد با محیط زندگی، متمرکز است. بخش اجتماعی تربیت اجتماعی و سیاسی، ناظر به تعامل و ارتباط با دیگران است که ارتباط فرد با دیگران در ۴ نوع ارتباط تقسیم بندی می شود:

۱. ارتباط با خدا ۲. ارتباط با خود ۳. ارتباط با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و تعاملی است که فرد با سایر افراد دارد). ۴. ارتباط با محیط (زیستی، اجتماعی و فرهنگی). بنابراین در بعد تربیت اجتماعی باید تلاش کرد در برنامه های تربیتی خود، چگونگی ارتباط دانش آموزان و مربیان را با این ۴ بخش مورد توجه قرار دهیم. انسان یک موجود اجتماعی است و در اجتماع زندگی می کند پس باید مهارت های لازم را بتواند برای برقراری در ارتباط در جامعه با دیگران داشته باشد. پس بعد اجتماعی تربیت ناظر به تعامل فرد با محیط، مهارت ها و شناخت فرد از ارتباطات با دیگران و کسب صلاحیت ها و شایستگی های لازم برای ارتباط با سایر افراد است؛ به خصوص این موضوع در دوره دبستان بسیار حائز اهمیت است.

مدرسه، اولین تجربه اجتماعی دانش آموزان است. به هر حال دانش آموزان قبل از ورود به مدرسه در کنار خانواده، پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده، ارتباط خاصی دارند. اولین تجربه، مدرسه است به عنوان یک سازمان اجتماعی که وارد مدرسه می شوند. کسب مهارت ها و شناخت تعامل با سایر افراد در محیط های متنوع به خصوص در مدرسه بسیار مهم است. باید کوشش کنیم در دوران مدرسه و به خصوص سال های اولیه ورود دانش آموزان به مدرسه، این موضوع کاملاً مورد توجه قرار گیرد. گاهی اوقات دانش آموزانی که در پایه اول دبستان ثبت نام می کنند، روزهای اول مدرسه احساس نگرانی می کنند، گاهی اوقات تحمل حضور در مدرسه ندارند و با رفتارهای شبیه گریه نارضایتی خود را از ورود به محیط جدید اعلام می کنند. گاهی اوقات خانواده ها به خصوص مادران مجبور می شوند ساعتی از روز را در کنار بچه در مدرسه حضور پیدا کنند. یکی از دلایل اصلی این امر آن است که فرد وارد محیط جدیدی می شود و چون شناختی از محیط جدید ندارد، دچار ابهام و دل مشغولی می شود. از همین جاست که چگونگی ارتباط او با مسئولان مدرسه به خصوص با معلمی که با او سر و کار دارد و سایر دانش آموزان که در کلاس درس هستند، بسیار حائز اهمیت است. باید زمینه سازی لازم برای این تعامل خوب و مؤثر با دوستان و همکلاسی هایش فراهم شود.

آغاز تربیت اجتماعی به لحاظ رسمی با ورود به مدرسه صورت می گیرد. بنابراین معلمان و همکاران باید به این موضوع توجه کنند که این نوع از تربیت به خصوص در دوران سال های اولیه ورود فرد به مدرسه برای او بسیار حائز اهمیت و تعیین کننده است. اگر یک تعامل مؤثر و مناسبی یا به عبارت دیگر تجربه های تربیتی مناسبی را دانش آموز در مدرسه در سال های اول به دست نیاورد، یک ذهنیت منفی نسبت به محیط اجتماعی پیدا می کند. اگر ناسازگاری های اجتماعی او توسعه پیدا کند، بعدها مشکلات بیشتری را

برای او فراهم می کند. لذا بعد تربیت اجتماعی او به خصوص سال های اول بسیار حائز اهمیت است و در نحوه کلاس داری، تعامل آنها با سایر دوستان در کلاس باید مورد توجه قرار گیرد.

وجه سیاسی تربیت اجتماعی به معنای ایجاد حساسیت در دانش آموزان نسبت به سرنوشت خود و جامعه خودشان مد نظر است. آموزش و پرورش مسئولیت ندارد دانش آموزان را نسبت به جریانات اجتماعی یا سیاسی ارتباط دهد. اتفاقاً باید آموزش و پرورش مراقبت کند که افکار و گرایش های سیاسی وارد مدرسه نشود. ساحت تعلیم و تربیت باید از هر گونه سلیقه، گرایش و جریان های سیاسی در امان باشد. کار ما در مدرسه، کار تربیت است. اگر می گوئیم تربیت سیاسی، یعنی اینکه دانش آموز نسبت به محیط زندگی خود و سرنوشت جامعه اش حساس باشد مثلاً نسبت به کلاس درس، مدرسه ای که در آن درس می خواند و محله خود احساس مسئولیت کند. نسبت به سرنوشت شهر خود حساسیت داشته باشد. نسبت به آنچه که در کلاس های درس رخ می دهد، احساس بی تفاوتی نکند و نگاه بی تفاوتی نداشته باشد. خود را مسئول بداند در سرنوشت و نگهداری کلاس و مدرسه. از امکانات کلاس و مدرسه بتواند محافظت و مراقبت کند. برای او سرنوشت خودش، مدرسه و شهرش مهم باشد. این تربیت سیاسی به معنای این موضوع است و به هیچ وجه در آموزش و پرورش وارد جریانات و نگاه های سیاسی نمی شویم.

دانش آموزان جزو شهروندان این کشور محسوب می شوند. بنابراین ایجاد آمادگی برای عضویت در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی واژه شهروندی، در مباحث مربوط به تربیت اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. باید شهروندان آگاه تربیت شوند که در محیط اجتماعی وظایف شهروندی را انجام دهند. بی گمان تربیت شهروندان خوب یکی از دل مشغولی ها و دغدغه های اکثر نظام های تربیتی در بسیاری از کشورهای دنیاست. به خصوص در نظام تربیت اسلامی تربیت شهروند آگاه و مسئول جزو هدف های تربیتی ماست. در جامعه ما مسائل و مشکلاتی هم که در حوزه اجتماعی در کشورمان پدید می آید ضرورت باز اندیشی در تربیت شهروندی را می طلبد. بخشی از آن ناشی از عدم احساس مسئولیت شهروندان است. بنابراین یکی از ویژگی های شهروندی این است که نسبت به جامعه، شهر و محل زندگی خود احساس مسئولیت کند. به برخی از موارد اشاره می شود؛ مثلاً به یک شهر تمیز و پاکیزه نیاز داریم. یکی از وظایف شهروندان این است که در نظافت و بهداشت شهر باید احساس مسئولیت کنند. بهداشت و نظافت مدرسه مقدم است بر نظافت شهر. اگر بتوان این زمینه ها را در مدرسه و کلاس های درس فراهم کنیم، بدیهی است که این فرد را احساس مسئولیت را نسبت به جامعه خود خواهد داشت. وقتی می گوئیم ساحت های شش گانه تربیت یعنی تربیت شهروندان که در ابعاد مختلف نسبت به زندگی خود و زندگی اجتماعی شان احساس مسئولیت کنند. تربیت شهروندان در پایه های مختلف و دوره های مختلف تحصیلی به تناسب ویژگی های سنی و روان شناختی باید اتفاق بیفتد. معلمان از دانش روانشناسی برای انجام وظایف تربیتی خود استفاده کنند. در تربیت اجتماعی و سیاسی، ما به یک شهروند فعال و آگاه نیاز داریم که در فعالیت های اجتماعی و سیاسی محله، شهر و کشورش مشارکت داشته باشد، احساس مسئولیت کند و نسبت به آنها فعال باشد و رفتارهای مناسب را متناسب با فعالیت اجتماعی سیاسی از خود بروز دهد.

۳. **ساحت تربیت علمی و فناوری؛** این ساحت ناظر به این است که فرد را با تفکر علمی و منطقی در برخورد با پدیده ها آشنا کند و مهارت های عملی در مواجهه با پدیده ها و آنچه که در محیط ماست، بتواند فرد را مجهز کند. به هر حال، تربیت علمی و فناوری بر این تأکید دارد که افراد از دانش متراکم بشری در حوزه های مختلفی که تولید می شود، بهره برداری کنند، خودشان قادر باشند در حوزه های مختلف نوآوری و خلاقیت داشته باشند و بتوانند از فناوری های مختلف برای کسب علوم مختلف در زمینه های به خصوص علوم تجربی بهره مند شود و توانایی های لازم را داشته باشند.

در تربیت علمی و فناوری که نگاه آنچه که در سند تحول در این حوزه تأکید شده که نسبت به هستی یک نگاه آیه ای داشته باشد و هستی را آیه و نشانه خدای متعال بداند و قوانین و مقررات و کشف های علمی که در هستی اتفاق می افتد را با رویکرد الهی مورد توجه قرار دهد. امروزه عمده فعالیت های آموزشی و علمی در سطح مدارس در بخش تربیت علمی و فناوری بیش از پیش متمرکز است و هر چند که این موضوع از موضوعات بسیار مهم است که فرد بتواند از قدرت فکری مناسب برخوردار باشد، روش های منطقی فکر کردن را آموزش دیده شود، بتواند مسائل مختلف را شناسایی کند و برای مسائل مختلف راه حل های مناسب را به دست بیاورد. این موضوع در آموزش و پرورش از طریق برنامه درسی به خصوص در تولید کتاب های درسی جدید و محتواهای آموزشی که پس از ابلاغ سند تحول صورت گرفته، تلاش می شود از طریق کتاب ها، برنامه ها و بسته های آموزشی، از رویکرد حافظه محوری به سمت تفکر محوری حرکت کند و از رویکرد حافظه محوری به سمت تفکر پژوهش محوری حرکت کند. به جای اینکه بر افزایش دانش و انباشت اطلاعات دانش آموزان و محفوظات آنها تمرکز کنیم هرچند که محفوظات، بخشی از فرآیند آموزش است ولی باید بر زمینه های فکر کردن، اندیشیدن، خلاقیت و پژوهش محوری تمرکز کرد. در آموزش کتاب های مختلف دوره ابتدایی، تغییراتی که در پایان کتاب های درسی صورت گرفته، موقعیت هایی را فراهم کرده که دانش آموزان را به اندیشیدن، کار علمی را خودشان پیگیری کردن و ارائه گزارش های دریافتی خودشان نسبت به آن موضوع ارائه کردن، سوق می دهد. که بستگی به شما همکاران دارد که پرورش تفکر علمی را باید در دانش آموزان تقویت کرد و آنها را مجهز کنید که با پدیده های هستی برخورد هوشمندانه و آگاهانه داشته باشند و با یک رویکرد خلاقانه بتوانند از آنچه در محیط اطراف ماست، بهره برداری لازم را داشته باشند.

رویکرد علمی و فناوری از جمله ساحت هایی است که سند تحول تأکید کرده است. نگاه آیه ای به هستی داشتن و پدیده های الهی و آنچه که در هستی وجود دارد، نشانه هایی از خدا قلمداد کردن؛ این نوع نگاه را در پیگیری آموزش های مختلف و رویکردهای علمی داشته باشیم. بنابراین در ارتباط با این موضوع، دروس مختلفی در کلاس های درس در اختیار دارید که همه این فرصت را برای شما فراهم کند که این زمینه های علمی را در دانش آموزان تقویت کرده و علم آموزی و دانش جویی را در نگاه دانش آموزان تقویت کند و انگیزه های آنها را بالا برده که در این مسیر حرکت کنند و یک مصرف کننده صرف نباشند. تلاش کنیم دانش آموزان را در مسیری قرار دهیم که اندیشیدن، خلاقیت و رویکرد پژوهشی را به جای رویکرد حافظه محور مورد توجه قرار دهند. اگر به آموزش هایی که از طریق دروس مختلف ارائه می شود این نگاه را مورد توجه قرار دهید، انسان های فکور، اندیشمند، خلاق و اهل تفکر تربیت خواهید کرد.

۴. ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ حدود و قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی:

۱. حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی دانش آموزان در قبال خود و دیگران

۲. تقویت قوای جسمی و روانی دانش آموزان

۳. مبارزه با عوامل ضعف و بیماری در مدارس

۴. ارتباط با محیط (زیستی، اجتماعی و فرهنگی) حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت.

در قلمروی ساحت تربیت زیستی و بدنی به پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی و روانی دانش آموزان تأکید داریم. این یکی از جنبه های مختلف تربیت متوازن است. نگاه سند تحول این است که انسان موجودی است دارای ابعاد جسمی، روحی و روانی و رابطه جسم، روح و روان افراد یک رابطه متقابل است. بنابراین از طریق دارا بودن یک جسم سالم و نیرومند می توانیم قوای روحی و روانی مان را تقویت کنیم. از طریق تقویت قوای روحی و روانی می توان به نشاط و شادابی جسمی او توجه کنیم. بنابراین در سند تحول، تفکیکی بین جسم و روح و روان فرد قائل نشده است. در ساحت زیستی و بدنی در سند تحول به برخی از موارد تأکید می شود تا در فرآیند برنامه ریزی و کار خود بیش از پیش مورد توجه قرار دهند:

۱. تربیت جنسی دانش آموزان

۲. سلامت فردی و اجتماعی

۳. استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت مناسب

۴. مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی و بهداشت محیط زیست

۵. آگاهی از الگوهای صحیح تولید مصرف

به دنبال این هستیم که افرادی تربیت شوند که نسبت به سلامت روحی و روانی و جسمی خود احساس مسئولیت کنند، اهل فعالیت های ورزشی و تربیت بدنی باشند و برای سلامت خود اهمیت قائل شوند. به دنبال این هستیم که از طریق مدارس، نسل توانمند و قوی برای جامعه تربیت شود. به هر حال تربیت نسل قوی و قدرتمند جزو اهداف تعلیم و تربیت یک جامعه و آموزش و پرورش بر اساس این ساحت محسوب می شود. یکی از مسائل و مشکلات جامعه ما به خصوص با زندگی شهر نشینی که وجود دارد، فقر حرکتی است و امروز تحرک و تلاش بدنی دانش آموزان در جامعه به واسطه نوع زندگی شهری محدود شده و بیماری های مختلفی آنها را تهدید می کند از جمله بیماری چاقی جزو مسائل دانش آموزان ماست. اگر به تربیت نسل با نشاط، شاداب، قوی و نیرومند تأکید داشته باشیم که این گونه نسل می تواند کشور را به پیشرفت و توسعه و تعالی برساند، باید در مدارس بر این ابعاد وجودی آنها تأکید کنیم. برای این موضوع، وزارت آموزش و پرورش در برنامه های درسی، فرصت هایی را برای فعالیت های مختلف تربیت بدنی و ورزش فراهم کرده هر چند که این فرصت ها بسیار محدود است و بایستی در مدارس این نوع فرصت ها را بیش از پیش برای دانش آموزان فراهم کنیم. به خصوص در دوره سه ساله اول و سه ساله دوم دبستان نیازهای جسمی و روانی دانش آموزان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که باید از هر جهت محیط مدرسه و کلاس درس تضمین کننده و تأمین کننده نیازهای جسمی، روحی و روانی دانش آموزان باشد. در اداره کلاس ها و فرصت هایی که در مدرسه وجود دارد نباید از تحرک، تلاش جمعی و فردی دانش آموزان غفلت شود و باید از هر فرصتی

برای نشاط، بازی و تفریح استفاده کرد. در سند تحول در مرحله اول تربیت که شامل سه سال اول دبستان است، رویکرد پرورشی و بازی و تفریح دارد نه رویکرد آموزشی. بنابراین باید کاری کرد که در کلاس های درس و محیط مدرسه، موقعیت هایی را فراهم کنیم که جست و خیز، جنب و جوش و تحرک برای دانش آموزان ایجاد شود. با طراحی انواع و اقسام بازی ها و فعالیت های جمعی می توانیم چنین نشاط و شادابی را در مدارس پی بگیریم که مدرسه ها برای دانش آموزان از جذابیت لازم برخوردار شود.

اصول ساحت تربیت زیستی و بدنی

- توجه هماهنگ و مستمر به تربیت زیستی و بدنی متربیان؛ هماهنگ و مستمر بودن جزو تأکیداتی است که این موقعیت را برای ما بیش از پیش تقویت می کند.

- توجه به کسب شایستگی های پایه (توانمندی های ضروری) توسط متربیان جهت ارزیابی خطرهای لحاظ کردن نتایج بالقوه آنها و درک و فهم موقعیت خود در زمینه زیستی و بدنی بهبود آن. بحث رفتارهای پر خطر در جوامع جهانی به خصوص در سنین دوره اول و دوم متوسطه بیش از پیش مورد تأکید است و باید زمینه های آگاهی را برای آنها فراهم کنیم که از رفتارهای پر خطر فاصله بگیرند و قدرت مواجهه با فرصت های پر خطری که ممکن است در محیط مدارس یا محیط های عمومی و بیرون از مدرسه برای آنها ایجاد می شود، تقویت کرده و مواجهه درستی داشتند و قدرت تشخیص را داشته باشند. به خصوص در این ساحت، در بعد ایجاد یک محیط زیست سالم از جمله تأکیدات مدرسه است. لازم است نگاه دانش آموزان نسبت به حفظ و نگهداری محیط زیست و برخورد مسئولانه نسبت به محیط زیست از همین دوران کودکی و دبستان شکل بگیرد و به عنوان یک باور در ذهن آنها به وجود آید. فرهنگ حفظ محیط زیست از طریق این ساحت بر آنها تأکید می شود. مربیان و معلمان در ارتباط با این موضوع باید از طریق فرصت هایی که به شکل مستقیم برای این موضوع فراهم می شود و از طریق غیر مستقیم فرصت هایی که در کلاس درس است، از طریق دروس مختلفی این فرصت را ایجاد و استفاده کنند که موضوع تربیت زیستی و بدنی مورد توجه قرار گیرد و افرادی را تربیت کنیم که نگاه شان نسبت به خود، محیط زیست، سلامت و بهداشت خودشان و محیط اجتماعی شان بیش از پیش مورد توجه آنها قرار گیرد.

۵. **ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری؛** همان گونه که از نام این ساحت ملاحظه می کنید، ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی، مادی یا معنوی، توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش های هنری) است. در ساحت هنری و زیبا شناسی، تأکید بر ایجاد علاقه مندی و گرایش در دانش آموزان برای پرداختن به این موضوع مورد توجه است؛ به خصوص در دوره دبستان و این گروه سنی که آثار و محصولات هنری را در مدرسه بتوانند تولید کنند و فرصت های لازم را برای آنها فراهم کنیم.

تأکید بر فراهم سازی زمینه های کسب شایستگی رمز گذاری و رمز گشایی برای متربیان.

از این رو هدف آموزش و پرورش از تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه ای و تخصصی که پرورش ادراک زیبایی شناسی در همه متربیان است لذا لازم است در کنار رویکرد تربیت هنری موضوع محور به رویکرد ادراکی دریافت احساس و معنا هم توجه شود و این دو رویکرد مبنای سیاست گذاری، تصمیم گیری و برنامه ریزی واقع شوند. نگاه زیبا شناسی نسبت به محیط زندگی و اطراف خود داشته باشند. تلقی تربیت زیبایی شناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی.

کتاب های دوره دبستان از لحاظ شکل، اندازه، گرافیک و نوع تصاویری که به کار گرفته می شود، تلاش می شود به لحاظ محتوایی و اقدامات گرافیکی از جذابیت های مناسب برخوردار باشد. **تأکید بر فراهم سازی زمینه ها و شرایط آفرینشگری و خلاقیت برای متربیان.**

بخشی از پرورش قوه خیال و ذوق هنری دانش آموزان از طریق کتاب های درسی است که گروه مؤلفان و سازمان پژوهش این راه را دنبال می کنند. بخشی دیگر از طریق محیط کالبدی، فضای فیزیکی مدرسه و نوع معماری مدرسه صورت می گیرد. رنگ آمیزی، نور پردازی مدرسه و نوع آرایش کلاس که معلمان فراهم می کنند، کمک های محیط است که دانش آموزان را در این مسیر قرار دهد. فرصت های فردی و گروهی در مدرسه فراهم کردن برای دانش آموزان، بسیار حائز اهمیت است.

تأکید بر تربیت زیبایی شناختی و هنری به منزله یک فرا برنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه های درسی.

فرض کنید نقاشی یکی از فرصت هایی است که باید در اختیار دانش آموزان قرار گیرد تا بتوانند از این زمینه هنری بهره مند شوند. انواع هنرها و فعالیت های هنری در رشته ها و زمینه های مختلف که در مدرسه، کلاس درس باید توجه شود و فراهم شود. در فعالیت های فردی و جمعی که به دانش آموزان به عنوان تکالیف دروس مختلف داده می شود، تشویق کنیم که از زمینه های هنری برخوردار باشند. استعداد های هنری دانش آموزان را به شکل فردی و جمعی تشویق کنیم به خصوص در کلاس های درس، معلمان ابتدایی امتیازی دارند که به شکل مستمر با دانش آموزان هستند. برخی معلمان در دوره های تحصیلی بالاتر، چند ساعت در اختیار دانش آموزان هستند ولی در دوره ابتدایی و دبستان ها گاهی ۴ یا ۵ روز با دانش آموز در طول ۹ ماه ارتباط مستمر دارد و زمینه شناخت استعدادها و ظرفیت های هنری را فراهم می کند. توجه به این نوع زمینه ها جزو دستور کار معلمان است و اهتمام به این موضوع و اهمیت دادن به آن بسیار حائز اهمیت است که اگر دانش آموزی اثر هنری در حد سن خود را تولید می کند، شعر یا قصه ای می نویسد، نقاشی رسم می کند، تئاتر آماده می کند، کار سرودی را آماده می کند یا صنایع دستی را فراهم می کند؛ از طریق برخورد مناسب معلم و عکس العمل مناسب مدرسه او را به این زمینه تشویق می کند. وقتی که خاطرات بسیاری از هنرمندان و شخصیت های ارزشمند هنری کشورمان را مرور می کنیم، زمینه های هنری را مدرسه کسب کرده اند؛ مدرسه هایی که این فرصت ها را فراهم کرده اند توانسته اند زمینه تربیت هنرمندان شایسته ای در سطح کشور را پرورش دهند. وجود هنر در زندگی و محیط ما لطافت، شادابی و زیبایی ایجاد می کند و این نگاه زیبا شناسانه را باید به دانش آموزان مان در مدرسه ها بدهیم و فرصت های خلق آثار هنری را برای آنها فراهم کنیم. به برخی از موارد که به این موضوع کمک می کند، اشاره می شود:

۱. تأکید بر پرورش حواس؛ در دبستان با کودکان سر و کار دارید که بخش مهمی از یادگیری آنها از طریق حواس پنجگانه است؛ به خصوص جنبه بینایی و دیدن بخش مهمی از اطلاعات را برای دانش آموزان فراهم می کند و سایر حواس پنجگانه. اگر حواس پنجگانه دانش آموزان را کمک کنیم تا پرورش یابد و با دقت نظر از این حواس استفاده کنند، می تواند زمینه زیبا شناسی آنها را تربیت کند.

۲. فراهم سازی زمینه های مناسب پرورش تخیل و قوه خیال

۳. از فرصت همه دروس باید استفاده کنیم. استفاده از همه فرصت هایی که در کلاس درس و محیط مدرسه وجود دارد، مناسبت های مختلفی که در طول سال تحصیلی در اختیار شماست، مناسبت های ملی، مذهبی، انقلابی و سایر مناسبت ها به خصوص مناسبت هایی که با جنبه های هنری و مفاخر ما سر و کار دارد، می تواند به شما کمک کند. پرورش ذوق و خیال هنری دانش آموزان صرفا به درس خاصی بستگی ندارد. خلاقیت، ابتکار و نوآوری معلمان در این موضوع بسیار حائز اهمیت است و با تلاش و کوشش آنها زمینه های پرورش هنری و زیبا شناسی دانش آموزان بیش از پیش فراهم شود و بتوانیم کشوری باشیم که در این جهت توفیقات بیشتری را فراهم کنیم.

۶. **ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای؛** از عنوان این ساحت می توان حدس زد که این ساحت ناظر به چه بخش از جنبه های تربیتی دانش آموزان است. این ساحت ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی های متربیان در تدبیر معاش و اقتصاد حرفه ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه ای، التزام به اخلاق حرفه ای، توان کار آفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش ها در روابط اقتصادی). بخشی از مسئولیت های هر فردی در طول زندگی او به جنبه اقتصادی زندگی او برمی گردد. تدبیر معاش از جمله نیازهای جدی هر کدام از شهروندان است. بنابراین بایستی دانش های پایه و زمینه های اولیه را در سطح مدارس فراهم کنیم تا دانش آموزان با جنبه های اقتصادی، تولید، توزیع و مصرف آشنا شوند و نگاه اقتصادی به زندگی داشته باشند و بدانند که فرآیند اقتصادی و تولید، توزیع و مصرف دارای قوانین و مقرراتی است. هر کشوری امکانات محدودی دارد و جامعه نیازهای نامحدود دارد. باید از طریق تربیت اقتصادی و حرفه ای به افراد آموزش دهیم چگونه از این امکانات محدود برای تأمین نیازهای نامحدود بهره برداری کنند. روش های صحیح مصرف را یاد دهیم، انگیزه ها و نگاه به تولید را تقویت کنیم. مهم تر از همه، فرهنگ کار، تلاش و مهارت آموزی را یاد بدهیم. حتما یکی از آسیب ها و مسائلی که جامعه ما با آن درگیر است، زمینه کار، تلاش و مسئولیت پذیری است. حوزه حرفه، کار و تلاش در جامعه ما مقداری کمرنگ شده است. باید افرادی را تربیت کنیم که با تمام وجود علاقه مند به کار و فعالیت باشند، افراد مسئولیت پذیر تربیت کنیم و به کیفیت کار اهمیت دهند. در جامعه گاهی اوقات گفته می شود فلان محصول خارجی مورد توجه مردم قرار می گیرد، وقتی علل آن را جستجو می کنیم، می گویند فلان محصول خارجی از کیفیت بهتری برخوردار است. اگر کسانی که در امر تولید هستند و محصولات مختلف را تولید می کنند، مسئولانه با موضوع برخورد کنند، کیفیت را در عمل رعایت کنند، در سطح جامعه قادر

خواهیم بود محصولات با کیفیت عرضه کنیم و شهروندان ایرانی از محصولات جامعه خود بهره مند شوند. بخشی از مشکلات ما در بحث تولید کالا و خدمات، بحث کیفیت آن است که باید فرهنگ برخورد مسئولانه را از محیط مدارس آموزش دهیم. نگاه مصرف گرایی را باید محدود کنیم و تلاش کنیم دانش آموزان با روحیه کار و فعالیت آشنا شوند. در آموزه های دینی ما بر کار کردن تأکید فراوانی شده است. کار نقش تربیتی دارد. کار را صرفاً برای کسب درآمد انجام نمی دهیم. در عین حال که کار کردن برای امرار معاش و تأمین نیازهای زندگی درآمد کسب می کنیم که همان عقل معاش است و در آموزه های دینی به عقل معاش و تدبیر در معاش تأکید شده است و تأکید می شود که کار نقش تربیتی دارد. بطالت و بیکاری جزو آفت های جدی سلامت روح و روان انسان در جامعه است. بنابراین این موضوع که تربیت اقتصادی و حرفه ای باید صورت گیرد، جزو مأموریت های جدی آموزش و پرورش است. معلمان آموزش ابتدایی توجه داشته باشند که ایجاد فرهنگ هر کاری از دبستان شروع می شود و پایه آن دبستان و مدارس ابتدایی است. اگر در این دوره از تحصیل چنین نگرش، باور و فهمی از مسائل اساسی را در افراد ایجاد نکنیم، در دوره های بعدی این فرصت را نخواهیم داشت. بخش مهمی از شکل گیری شخصیت دانش آموزان در خانواده و مدرسه به خصوص در دبستان ها شکل می گیرد. دبستان ها اساس تعلیم و تربیت هستند. باید کوشش کنیم که فرهنگ بسیاری از مسائل از جمله فرهنگ کار، تلاش، علاقه مندی به کار و مسئولیت پذیری را در دوران دبستان ها در دانش آموزان تقویت کنیم. کار کردن عار نیست، شرافت است و برای انسان عزت می آورد. کسانی که اهل کار و فعالیت هستند، بار خود را به دوش می کشند، انسان های شریفی هستند. کسانی که مسئولیت های خود را به درستی انجام نمی دهند و بار زندگی و مسئولیت های خود را به دوش دیگران می اندازند، در عزت نفس آسیب می بیند و اعتبار اجتماعی شان آسیب می بیند. بنابراین باید فرهنگ کار، تلاش و فعالیت های اقتصادی را باید در دبستان ها تقویت کنیم؛ در بحث تولید، توزیع و مصرف و به خصوص فرهنگ تولید. به آنها کمک شود آثار و محصولاتی را از طریق دروس مختلف تولید کنند و شما نسبت به این تولیدات اهمیت قائل شوید. برنامه هایی که در دوره ابتدایی؛ جشنواره ها فعالیت ها و دست سازه ها فرصت هایی است که چنین امکانی را فراهم کند.

جمع بندی: آموزش و پرورش مسئول ۶ نوع تربیت است. آموزش و پرورش مسئول تربیت متوازن و همه جانبه است؛ تربیت شش ساحتی. در قبال همه انواع تربیت مسئولیت داریم و باید کوشش کنیم به همه انواع تربیت بپردازیم، برنامه درسی خود را به نحوی اصلاح کنیم و این ۶ نوع تربیت را توجه کنیم، برنامه مدرسه را به این سمت و سو بکشانیم، ارزشیابی ها و نگاه مان را در این مسیر قرار دهیم. یکی از نکات بسیار مهم این است که همکاران و معلمان در جلساتی که با اولیای دانش آموزان تشکیل می دهید به خصوص در دوره ابتدایی که ارتباط با اولیا زیاد است، انواع ساحت های تربیتی را باید با اولیا در میان گذاشت و نگرش اولیا را به مدرسه هماهنگ کرد که یک همگرایی ایجاد شود. همان چیزی را ولی دانش آموز از مدرسه می خواهد که معلم همان را تعقیب می کند و کارکنان مدرسه آن را پیگیری می کنند. حتی به شکل غیر مستقیم باید دانش آموزان را توجه کنیم که مدرسه مسئول ۶ نوع تربیت است. در مقابل انواع این تربیت ها مسئولیت دارد هرچند که همه این ها به صورت یکپارچه و به شکل کل واحد دنبال می شود. باید تلاش شود نگاه به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت را اول در اولیا، بعد در دانش آموزان و همکاران در مدرسه به یک

همگرایی برسانیم. همه به دنبال این ۶ نوع تربیت؛ تربیت متوازن و همه جانبه، باشیم و رویکرد و نگاه های مان را به سمتی هدایت کنیم که مدرسه در برابر همه جنبه های وجودی دانش آموزان مسئولیت دارد. سیاست گذاری، برنامه ریزی، تصمیمات و اقدامات در مدرسه و همکاری اولیای دانش آموزان به سمتی برود که به تربیت متوازن منجر شود تا در آینده نسلی داشته باشیم که از جنبه های مختلف رشد کرده باشد. باید از رشد کاریکاتوری بخشی از جنبه های وجودی افراد جلوگیری کرد. در صورتی که ۶ نوع تربیت اتفاق بیفتد، انسان های کاملی در جامعه خواهیم داشت که تمام جنبه های وجودی آنها به طور هماهنگ رشد کرده و می توانند در جامعه منشأ اثر باشند و افراد متعادلی را برای جامعه تربیت خواهیم کرد. برنامه های آموزشی را باید متناسب با ساحت های شش گانه تربیت اصلاح کرد. از فرصت تک تک دروس استفاده کرده و به این ۶ ساحت را پردازید. تک تک دروس را در چارچوب این ۶ ساحت قرار دهید، مثلاً در درس علوم هم تربیت علمی و فناوری، اجتماعی، زیبا شناسی، اعتقادی کنید. مهم این است که عینک را به چشم تان را بزنید که در هر فرصتی که در مدرسه پیدا می کنید، به این ۶ نوع تربیت وفادار بمانید و این ۶ نوع تربیت را مورد توجه قرار دهید که با بازنگری در روش ها و شیوه های تدریس و نگاه به دروس امکان پرداختن به این موضوع بیش از پیش فراهم خواهد شد.